

بررسی تاریخ تمدن های فلات ایران تا پایان دوره ایلامی

دکتر حبیب اله محمودیان^۱

چکیده

فلات ایران به دلیل شرایط جغرافیایی و موقعیت استراتژیک خود، همواره به عنوان سکونتگاه انسان‌ها و مهد تمدن و فرهنگ بشریت شناخته شده است. تحقیقات باستان‌شناسی تاکنون بسیاری از محل‌های باستانی و آثار و شواهد مربوط به زندگی ساکنان زاگرس و البرز را در مراحل غارنشینی، کوه‌نشینی و نیز سکونتگاه‌های اولیه در دشت‌ها و دره‌های کوهستانی و حواشی رودخانه‌ها نمایانده است. در پهنه‌ی فلات ایران عارضه‌های طبیعی بسیار مهمی به چشم می‌خورد که از نظر مکان‌های زندگی و استقرارهای بشری مورد توجه پژوهشگران عرصه‌ی تاریخ و تمدن قرار گرفته‌اند. هلال سبز و ناهمواری‌های زاگرس در این محدوده جغرافیایی شرایط مطلوبی را برای استقرار اقوام مختلف فراهم ساخته است. مهمترین تمدن‌های پیش از تاریخ ایران در این منطقه شکل گرفته‌اند. از جهتی مهاجرت اقوام سرزمین‌های پیرامونی نیز با مهاجرت به فلات ایران در تحولات تاریخی تمدن‌های باستانی فلات ایران و استقرار در این سرزمین نقش داشته‌اند. در این مقاله تلاش شده تا اقوام و تمدن‌های ایرانی پیش از دوران تاریخی مورد مطالعه قرارگیرد و بر اساس مستندات تاریخی و یافته‌های باستان‌شناسی معرفی شوند.

واژگان کلیدی: کاسیان، الیمایی‌ها، قوم ایلام، سیمره، گوتی‌ها، قوم اورارتو.

^۱ - دانش‌آموخته دکتری باستان‌شناسی پیش از تاریخ ایران

موقعیت جغرافیایی (بوم‌شناسی)

فلات ایران با رشته کوه‌های عظیم حاشیه‌ای، دشت‌های داخلی و کناره‌ای، تنوع پوشش گیاهی و جنگلی، اقلیم‌های متنوع، و آب‌های روان و زیرزمینی، شرایط ویژه‌ای برای استقرار و زندگی انسان فراهم آورده است. این موقعیت جغرافیایی در جنوب غربی آسیا موجب شده تا ایران به عنوان پل ارتباطی آسیا با اروپا و آفریقا عمل کند. قرار گرفتن ایران در منطقه‌ی معتدل شمالی کره‌ی زمین از دیگر ویژگی‌های طبیعی مناسب برای استقرار انسان بوده و همواره این منطقه از این نعمت بهره‌مند بوده است. رشته کوه‌های عظیم البرز و زاگرس و دره‌های میان کوهی آن، به دلیل شرایط جغرافیایی مطلوب، به عنوان پناهگاه و سکونتگاه مهم انسان در دوران‌های مختلف شناخته می‌شوند.

در پهنه‌ی فلات ایران عارضه‌های طبیعی بسیار مهمی به چشم می‌خورد که از نظر مکان‌های باستانی و استقرارهای بشری مورد توجه پژوهشگران عرصه‌ی تاریخ و تمدن قرار گرفته‌اند. عوامل و پدیده‌های جغرافیایی در تمرکز جمعیت و پدید آمدن تمدن‌های باستانی نقش عمده‌ای داشته‌اند. بنابراین، مطالعات باستان‌شناسی و تاریخ فلات ایران بر اساس پدیده‌های شاخص جغرافیایی به حوزه‌های مختلفی تقسیم‌بندی شده است. این حوزه‌ها عبارتند از:

- رشته کوه زاگرس با داشتن دشت‌های میان کوهی و حاشیه‌ای آباد، دره‌های کوهستانی، دامنه‌ها و منابع آب در بخش غربی فلات ایران؛
- رشته کوه البرز و جلگه‌های حاشیه‌ی دریای خزر، دره‌های کوهستانی و رودخانه‌های متعدد و پرآب در بخش شمالی ایران؛

- ناحیه‌ی کوهستانی آذربایجان، دشت‌های میان‌کوهی، دره‌های کوهستانی، حواشی دریاچه‌ی ارومیه و رودهای مهمی چون ارس، تلخه‌رود، زرینه‌رود و سیمینه‌رود؛
 - ناحیه‌ی کوهستانی الوند، دشت‌های حاصلخیز، دره‌های کوهستانی و رودخانه‌های پرآب در بخش غربی زاگرس؛
 - جلگه‌های کناره‌ای خلیج فارس و دریای عمان، حوزه‌ی رودخانه‌های کارون، کرخه، دز، دویرج، جراحی، زهره و دالکی با اقلیم متنوع؛
 - ناحیه‌ی کوهستانی شرق ایران، حوزه‌ی هیرمند، دره‌های ناحیه‌ی کوهستانی تفتان و حواشی کویر؛
 - دشت‌های مرکزی ایران و کوه‌های منفرد، حوزه‌ی رودخانه‌های کر، هلیل‌رود، زاینده‌رود و رود شاپور؛ در بخش مرکزی فلات ایران با اقلیم گرم و خشک؛ ناحیه‌ی کوهستانی شمال خراسان، دشت‌های میان‌کوهی، دره‌های کوهستانی، حوزه‌ی رودخانه‌های هریرود، کشف‌رود و اترک.
- مطالعات زمین‌شناسی نشان می‌دهد که ناهمواری‌های ایران تحت تأثیر عوامل کوه‌زایی و زمین‌زایی در دوران‌های مختلف زمین‌شناسی تغییر شکل داده‌اند. قدیمی‌ترین سنگ‌های شناخته‌شده ایران مربوط به قبل از دوره‌ی اول در برخی نواحی شمال و مرکز کشور دیده شده است. در آغاز دوره‌ی دوم زمین‌شناسی، دریا همه‌جای فلات ایران را پوشانید (فرجی، ۱۳۶۶: ۷).
- در اواخر دوره‌ی دوم، رسوب‌های دریا در منطقه‌ی زاگرس ته‌نشین شده است. برخی از نواحی مرکزی فلات ایران و نواحی البرز از رسوبات این دوره بوده‌اند. ناهمواری

بزرگ البرز و زاگرس از چین خوردگی‌های دوران سوم زمین‌شناسی است که به دلیل عوامل کوه‌زایی و زمین‌زایی ایجاد شده‌اند. در دوره‌ی چهارم زمین‌شناسی تغییرات عمده‌ای در شکل ناهمواری‌های ایران ایجاد نشده و فرسایش تنها عامل تغییرات جزئی در شکل ناهمواری‌ها بوده است. باید توجه داشت که آتشفشان‌ها نیز در پیدایش ناهمواری‌های ایران مؤثر بوده‌اند. قله آتشفشانی البرز در منطقه‌ی دماوند، سهند و سبلان در آذربایجان، کرکس در مرکز ایران و قله‌ی تفتان در جنوب شرقی کشور از جمله این ناهمواری‌ها هستند که این پدیده در پیدایش آن‌ها مؤثر بوده است. ناهمواری‌ها شامل کوهستان‌ها، دره‌ها و سرزمین‌های نسبتاً هموار در حد فاصل رشته‌کوه‌ها می‌باشند.

مهم‌ترین رشته‌کوه در بخش غربی ایران، زاگرس نام دارد که با جهت شمال‌غربی- جنوب شرقی از جنوب ناهمواری آذربایجان آغاز شده و تا حواشی تنگه‌ی هرمز و سواحل خلیج فارس امتداد دارد. رشته‌حاشیه‌ای آن تا ارتفاعات مکران کشیده شده است. زاگرس رشته‌های منظم و موازی‌ای دارد که در حدفاصل آن‌ها دشت‌های نسبتاً وسیع و در مواردی دره‌ها و دشت‌های میان‌کوهی واقع است. حاشیه‌ی غربی و جنوبی آن دارای دشت‌ها و جلگه‌های حاصلخیز می‌باشد.

بعضی معتقدند ریشه‌ی این نام به زبان اوستایی برمی‌گردد. در زبان اوستایی، «زاگر» به معنای کوه بزرگ است. نظری که بیشتر مورد تایید است، این است که این کلمه از نام مهاجران هندو-اروپایی ساکن این منطقه معروف به «زاگارثی/ساگارثی» گرفته شده است. در حدفاصل البرز، زاگرس و کوه‌های شرقی ایران، ناحیه‌ی فلات مرکزی واقع

شده که دارای نواحی کوهستانی منفرد و مستقل می‌باشد. به دلیل دوری از دریا و خشکی ناحیه مرکزی، پوشش جنگلی و گیاهی خاصی در این نواحی دیده نمی‌شود. کارون، سیمره و ادامه آن کرخه (اسم قدیم آن «اوکنو» و نزد یونانیان «کواسپس»)، هلیل رود از مهمترین رودخانه‌های فلات ایران به شمار می‌روند. از دیگر رودهای مهم ایران می‌توان به سفیدرود، ارس، اترک، زاینده‌رود، کرخ، جاجرود، رود کر، جراحی، هنديجان، زهره، تلخه‌رود (آجی‌چای)، سیمینه‌رود، زربینه‌رود، کشف‌رود، هریرود (مرز ایران و افغانستان)، هیرمند و... اشاره نمود. فلات ایران از نظر ارتباط با سایر نقاط جهان به علت وجود خلیج فارس و دریای عمان در جنوب و دریای خزر در شمال، موقعیت مناسبی دارد.

پیشینه تاریخی

باستان‌شناسان دوران زندگی انسان را به دو دوره «دوران سنگ» (حجر) و «دوران فلز» تقسیم‌بندی کرده‌اند. در دوران سنگ، انسان‌ها به گروه‌های نسبتاً کوچکی تقسیم شده و به گردآوری غذا (از قبیل گیاهان، ماهیگیری و شکار) پرداخته‌اند. در دوران پارینه‌سنگی، علاوه بر ساخت ابزارهای سنگی، از ابزارهای چوبی و استخوانی نیز استفاده می‌شده است (محمودیان، ۱۳۹۸: ۲۰). با ورود به دوران میان‌سنگی، انسان‌ها با امکان ذخیره‌سازی مواد غذایی آشنا شدند و سه عامل «اهلی کردن حیوانات»، «آغاز کشاورزی» و «آماده‌سازی غذا» باعث وابستگی انسان به زمین و سرزمین و در نهایت به مرحله‌ی یکجانشینی منتهی شد (ملک شهیرزادی، ۱۳۸۲: ۹۳).

دوره‌ی روستانشینی آغازین شامل مراحل بزم‌رده، علی‌کش، محمدجعفر، تپه‌ی سرخ و تپه‌ی سفید، معرف دوره‌ی اولیه یکجانشینی و شکل‌گیری نخستین تجارت‌های

فرمانعطفه در دشت دهلران است (محمودیان، ۱۳۹۸: ۱۵۰). همچنین، استفاده از فلز و ذوب آن، تحولی عمده در تمدن و فرهنگ بشر به شمار می‌رود. در دوره های بعدی ذوب فلزات وارد مرحله پیشرفته ای شده که اقوام و تمدن های مستقر در بخش غربی فلات ایران در دوران برنز و آهن شاهد تحولات شگرفی بوده اند که معرف هنر و تمدن ایرانیان در عهد باستان بوده است. در هزاره سوم پیش از میلاد، اقوام دشت بین‌النهرین (بابلیان و سومریان) وارد مرحله تاریخی شدند و به دلیل متونی که درباره تاریخ مملکت خود و همسایگان باقی گذاشتند، تا اندازه‌ای به روشن شدن زوایای تاریک تاریخ ایران کمک کردند. در این متون، به اقوامی مانند ایلامیان، کاسیان، لولوبیان، کادوسیان، اورارتوها و گوتیان اشاره شده است که در شرق بین‌النهرین ساکن بوده‌اند (گیرشمن، ۱۳۶۸: ۳۸). قدیمی‌ترین قومی که بر منطقه جنوب و جنوب غرب ایران حاکمیت داشته و از آنان در تاریخ نامی به جا مانده، ایلامیان بوده‌اند. ورود ایلام به صحنه تاریخ به اواخر هزاره چهارم و اوایل هزاره سوم قبل از میلاد برمی‌گردد و این تمدن مهم و مقتدر باستانی حدود ۲۵ قرن (۳۰۰۰ ق.م تا ۶۴۸ ق.م) حیات سیاسی داشته است. از جهتی در بخش شرقی و مرکزی فلات ایران به دلیل شرایط جغرافیایی شاهد شکل‌گیری تمدن‌ها و استقرار اقوام بوده ایم که تلاش در جهت شناخت تمدن و فرهنگ باستانی این منطقه و معرفی آن بسیار با اهمیت می‌باشد.

تمدن‌های ایرانی حوزه هلیل رود چون جیرفت و تمدن آراتا، تمدن شهداد و ارتباط این تمدن‌ها با شکل‌گیری ایلام شرقی (انزان و انشان) و نیز منطقه سیستان و شهر سوخته و تا حوزه رودسند (پنجاب) دارای راز و رمز‌هایی از تاریخ کهن سرزمین ایران است که

ابعاد وزوایای فرهنگ و تمدن آن ناشناخته مانده است. ایران سرزمین بزرگ و متمدن غرب آسیاست و تحقیقات باستان‌شناسی بخش‌هایی از این تمدن کهن را تاکنون معرفی نموده است، اما این کافی نیست. تلاش در جهت معرفی و شناسایی فرهنگ و تمدن دیرینه ایران به نسل جدید از سوی دانشگاه‌ها، مراکز علمی و پژوهشی و سازمان‌های فرهنگی ذریبط، رسالتی بسیار مهم و کلیدی خواهد بود.

موقعیت تمدنی نجد ایران

نجد ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی مطلوب و شرایط اقلیمی مناسب، از دوران باستان دارای اهمیت بوده و به عنوان پل ارتباطی شرق و غرب در مسیر هجوم و مهاجرت اقوام مختلف قرار داشته است. حضور اقوامی چون گوتی، آریایی، کاسی، اورارتویی، لولوبی، و میتانی، که شواهد استقرار آنان در دوران پیش از اسلام در این سرزمین تأیید شده است، نقش مؤثری در فرایند توسعه و شکل‌گیری فرهنگ‌های ایرانی آن دوران ایفا کرده‌اند. لذا، مطالعه‌ی فرهنگ‌های ایرانی بدون بررسی تأثیرات فرهنگ و تمدن اقوام مهاجر و دستاوردهای مادی و معنوی آنان ممکن نخواهد بود. با استقرار انسان در دشت و بهره‌گیری از امکانات طبیعی، تحولی شگرف در فرهنگ و تمدن بشر به وقوع پیوست. در این ناحیه، انسان‌ها علاوه بر شکار و فعالیت‌های کشاورزی، به ساخت ظروف سفالی نیز پرداخته‌اند. گیرشمن نوشته است: «انسان غار تازه داشت نخستین فلزی را که می‌بایست به کار برد، بشناسد و دریافته بود که مس نرم و قابل تورق است، اما هنوز طرز ذوب کردن آن را نمی‌دانست. این عهد درست پایان عصر حجر متأخر است» (گیرشمن، ۱۳۷۲: ۱۳). از آن‌جا که آلیاژ مس-قلع، که به عنوان مفرغ یا برنز شناخته می‌شود، اولین ترکیب فلزات بوده، این دوره به نام «عصر مفرغ» نام‌گذاری شده است.

سرپرسی سایکس، سر اورل اشتاین و برخی هیئت‌های باستان‌شناس داخلی و خارجی به بررسی فرهنگ‌های عصر مفرغ این منطقه پرداخته‌اند. به ویژه، تلاش هیئت مشترک ایران و بلژیک به سرپرستی پروفیسور واندنبرگ در دهه‌ی ۱۹۶۰ بسیار چشمگیر و گسترده بود. این منطقه، از نظر مطالعات مربوط به آغاز کشاورزی و دامداری، دارای شرایط ویژه‌ای است. بنابراین، غرب زاگرس به عنوان بخشی از تمدن و فرهنگ دیرینه‌ی ایران‌زمین، جایگاه ارزنده‌ای در تحولات فرهنگی و تمدنی خاورمیانه دارد.

دوره‌های فرهنگی پیش از تاریخ ایران

تا کنون تقسیم‌بندی‌های مختلفی در مورد دوره‌های فرهنگی پیش از تاریخ ایران ارائه شده است که در بررسی‌های باستان‌شناسی مورد توجه بوده‌اند.

تامسن با استفاده از روش گاه‌نگاری، ایران را در سه دوره‌ی سنگ، برنز و آهن مورد بررسی قرار داده است (ملک شه‌میرزادی، ۱۳۷۳: ۸۱).

لوئیس هنری مورگان (۱۸۱۸) نیز، دوران‌های مختلف فرهنگی را به سه دوره‌ی «توحش، بربریت و تمدن» تقسیم نموده است که هر کدام جداگانه به سه دوره‌ی کوتاه‌تر «قدیم، میانه و جدید» تقسیم شده‌اند (همان: ۸۱).

تقسیم‌بندی‌های دیگری نیز صورت گرفته است که به نظر می‌رسد بهره‌گیری از روش تلفیقی بیشتر قابل قبول باشد. از این رو، بررسی دوره‌های فرهنگی براساس موقعیت ناهمواری‌های ایران می‌تواند روشی مناسب باشد.

بنابراین، ناهمواری‌های ایران برای بررسی دوره‌های فرهنگی به شرح زیر دسته‌بندی می‌شود:

منطقه‌ی پست جنوب غربی ایران؛

منطقه‌ی کوهستانی زاگرس؛

منطقه‌ی کوهستانی شمال غرب ایران؛

منطقه‌ی کوهستانی البرز و جلگه‌های حاشیه‌ای؛

منطقه‌ی مرکزی و شرقی ایران؛

منطقه‌ی جنوب شرقی و حواشی خلیج فارس و دریای عمان.

صادق ملک شه‌میرزادی آثار پیش از تاریخ ایران از آغاز تا پایان دوره‌ی استقرار در روستاها را به نه منطقه‌ی طبیعی-فرهنگی تقسیم‌بندی نموده است که در قالب دوران جمع‌آوری غذا، گردآوری غذا، استقرار موقت و فصلی، و دوران استقرار کامل در روستاها مشخص شده‌اند (همان: ۸۱). با توجه به اینکه بررسی آثار شواهد زندگی و استقرار پیش از تاریخ ایران براساس شرایط ناهمواری‌های ایران تنظیم گردیده است، با موقعیت جغرافیایی مناطق ذکر شده به اختصار آشنا می‌شویم. بهره‌گیری از طبقه‌بندی و تقسیم‌بندی دوران تاریخی می‌تواند مطالعه و تحقیق را در زمینه‌ی فعالیت‌های باستان‌شناسی جهت دهد. حاصل این کار، کاهش زمان یادگیری و ارتقای کیفی امر آموزش خواهد بود. مطالعه‌ی تغییر و تحول کره‌ی زمین طی دوران زمین‌شناسی و روند تکاملی زندگی انسان و موجودات زنده براساس جدول زمانی وقوع حوادث و رویدادها نیز می‌تواند در فرآیند مطالعات اثر مثبت داشته باشد. در یک طبقه‌بندی کلی، دوران تاریخی به دو دوره تقسیم می‌شود:

الف) دوران ماقبل تاریخ، از آغاز تا اختراع خط؛

ب) دوران تاریخی که اختراع خط، حائل و حد فاصل بین این دو دوره است.

دوره‌ی پارینه‌سنگی در زاگرس غربی

تحقیقات باستان‌شناسی نشان می‌دهد که منطقه زاگرس غربی در دوره‌ی پارینه‌سنگی دارای استقرار بوده است. مورتسنس مهم‌ترین بازیافت‌های دوره‌ی پارینه‌سنگی را از

منطقه‌ی هلیلان به‌دست آورده است. این منطقه در محدوده‌ی رودخانه‌ی سیمره واقع شده و قدمت آن به هزاره‌های نهم تا هفتم پیش از میلاد می‌رسد.

دوران گذار از دیرینه‌سنگی به نوسنگی:

علی‌زاده در همایش ملی میراث‌های تمدنی استان ایلام (۱۳۸۲) طی سخنانی به موقعیت استقرار های پیش از تاریخ غرب ایران اشاره داشته و گفته است: «چغاگلان بین مهران و صالح آباد واقع شده است. در این سایت باستانی ما حفاری نکرده‌ایم؛ ولی رفتیم و دیدیم که سفال کم دارد. ابزارو تیغه‌های سنگی که مطالعه کردیم، متعلق به دوران گذار از دیرینه‌سنگی به نوسنگی است. در این مقطع، کشاورزی و دامداری شکل گرفته است. باید توجه داشت که گوسفند، بز، گندم و جو اهلی این منطقه هستند. در واقع، در کوهستان زاگرس رشد کرده و به صورت طبیعی یافت شده‌اند و تمام فرهنگ‌های دوره‌ی نوسنگی که در کوه‌های زاگرس ایران شکل گرفته، شالوده‌اش بر پایه‌ی بز، گوسفند، گندم و جو است» (همایش ملی میراث‌های تمدنی استان ایلام، ۱۳۸۲).

اهلی کردن دانه‌ها و جانوران

بررسی‌های باستان‌شناسی در سایت‌های واقع در حاشیه‌ی غربی ارتفاعات زاگرس نشان می‌دهد که انسان موفق شده برخی دانه‌های کشاورزی را برای تأمین غذای مورد نیاز حیوانات مورد نظر خود اهلی نماید. البته، صیادان و گردآورندگان غذا در خاور نزدیک و در ایران شاید بیش از یک میلیون سال از این مواد استفاده می‌کرده‌اند؛ ولی در مقطعی بین هفت هزار تا هشت هزار سال پیش از میلاد شرایطی پیش آمده که مجبور شده‌اند به زندگی یکجانشینی تن بدهند. علی‌زاده (۱۳۸۲) در توضیح تصاویری از یک مزرعه‌ی وحشی گندم در کوه‌های زاگرس واقع در شمال همدان، به منطقه‌ی آباد زاگرس و

نواحی کوهستانی شمال بین‌النهرین اشاره کرده است: «خطی که اینجا هست و بعدها اسمش را هلال حاصلخیز گذاشته‌اند، جایی است که گندم، جو، بز و گوسفند به صورت وحشی دیده می‌شود. اینجا بود که اولین دهکده‌های ابتدایی و بعدها شهرنشینی و تمدن رشد کرد و پس از آن هم به جاهای دیگر تسری یافت.



هلال سبز و تمدن‌های خاورمیانه

اقوام و تمدن‌های فلات ایران

مطالعات انجام شده بر روی آثار، اشیاء و ابزار به دست آمده از حفاری‌های باستان‌شناسی در نقاط مختلف کشور نشان می‌دهد که اقوام مختلفی در فلات مرکزی و نواحی کوهستانی البرز و زاگرس ساکن بوده‌اند و با تمدن‌های بین‌النهرین، قفقاز و مناطق هم‌جوار ارتباط داشته‌اند. برخی از این اقوام از سرزمین‌های شمالی فلات ایران به تدریج

به نواحی جنوبی مهاجرت کرده و در مناطق آباد کوهستانی زاگرس و دره های مصفای آن سکنی گزیده و موقعیت مناسب تمدنی کسب نموده‌اند. به عنوان مصداق: اورارتوها، گوتی‌ها، لولوبی‌ها، آریایی‌ها و کاسی‌ها از نواحی قفقاز وارد مناطق شمال غرب و غرب ایران شده‌اند. برخی اقوام دیگر نیز، ساکن فلات ایران بوده‌اند. بنابراین، تمدن‌های فلات ایران قبل از آریایی‌ها شامل کادوسی‌ها، تپوری‌ها، گوتی‌ها، کاسی‌ها، ایلامی‌ها و ... بوده‌اند.

تمدن‌ها، راه‌ها و مهاجرت‌ها

بسیاری از اقوام به دلایل مختلف از جمله سردی هوا، کشف سرزمین‌های جدید، جنگ و توسعه‌ی ارضی، فعالیت‌های دام‌پروری و ... سرزمین اصلی خود را ترک کرده و به سرزمین‌های جدید مهاجرت کرده‌اند. هرچند ممکن است مهاجرت‌ها موقت یا دائم بوده باشد، ولی برای مهاجرت، بررسی راه‌ها و مکان‌ها به منظور عبور و مرور مناسب و مطمئن مورد توجه بوده است. از جمله مهاجرت‌ها می‌توان به مهاجرت اقوام کاسی، گوتی، آریایی و اورارتویی به فلات ایران اشاره کرد. مهاجرت قوم کاسی احتمالاً در هزاره‌ی سوم قبل از میلاد از نواحی شمالی فلات ایران و ناحیه‌ی قفقاز به داخل فلات ایران صورت پذیرفته باشد. آنان به نواحی غرب و جنوب غربی ایران رفته و تحت نفوذ دولت ایلام درآمده‌اند. «کلمان هوار» نیز به مهاجرت آریایی‌ها اشاره نموده است. مؤلف کتاب «راه و رباط» نوشته است: «دلیل دیگر بر وجود راه‌های منظم و معین در ازمه‌ی پیش از تاریخ، مسیرهایی است که از طریق آن‌ها مهاجرت‌های دسته‌جمعی صورت گرفته است.»

اقوام زاگرس نشین

منطقه زاگرس بخشی از ناهمواری‌های هلال حاصلخیز (هلال سبز) است که به دلیل شرایط مطلوب جغرافیایی، شکل‌دهنده بسیاری از تمدن‌های غرب آسیاست. بخش عمده‌ای از تمدن‌های پیش از تاریخ ایران در کوهستان زاگرس، دشت‌های میان‌کوهی و دشت‌های حاشیه‌ای کوهستان زاگرس ایجاد شده‌اند. از این رو، شرایط برای شکل‌گیری تمدن‌ها و ارتباط با اقوام و فرهنگ‌ها در این سرزمین وجود داشته است. اقوام مختلفی در زاگرس ساکن بوده و یا برای مدتی در این محدوده سکونت اختیار کرده‌اند. از جمله‌ی این اقوام گوتی‌ها هستند که به بین‌النهرین حمله می‌کنند و مدت صد سال اقتدار مطلق بر بین‌النهرین دارند. در نیمه‌ی دوم هزاره‌ی سوم ق. م گوتی‌ها، کاسی‌ها و لولوبی‌ها دولتی تشکیل می‌دهند. در اوایل هزاره‌ی اول مادها و پارس‌ها جایگزین اقوام اولیه می‌شوند. در اواخر هزاره‌ی سوم و اوایل هزاره‌ی دوم در بین‌النهرین، شمال سوریه، فلات ارمنستان و آسیای صغیر اقوام سیستانی زندگی می‌کردند. وارث سرزمین هوریا در آسیای صغیر اوراتورها بوده‌اند و به نام آراتاتی‌ها معروف بوده‌اند. در هزاره‌ی سوم، زبان هوری‌ها با زبان اوراتورها قرابت داشته است. این اقوام قبل از استقرار قوم ماد در سرزمین ایران استقرار داشته و یا به نحوی با ایران ارتباط داشته‌اند. از این رو، به لحاظ اهمیت به برخی از این اقوام اشاره می‌شود.

گوتی‌ها (۲۴۷۰-۲۳۸۰ ق. م):

این قوم که به سومری «گوتو» گفته می‌شود در بخش شرقی سرزمین هوری‌ها و در قسمت شرقی دریاچه‌ی ارومیه زندگی می‌کرده‌اند. گوتی‌ها در زمان نارام سین، پادشاه اکد، حدود ۲۳۰۰ ق. م ظاهر شده‌اند. در این زمان به اکد حمله برده و از نارام سین

شکست خورده‌اند و به زاگرس پناه برده‌اند. علت حملات، استفاده از امکانات اقتصادی این نواحی بوده است. گوتی‌ها از اختلافات شدید در دستگاه حکومتی اکد پس از نارام سین استفاده نموده و این سرزمین را تحت نفوذ خود در آورده‌اند. گوتی‌ها مردمانی اهل غرب آسیا بودند که گمان می‌رود در دامنه کوه‌های زاگرس در ناحیه‌ای که با عنوان گوتیوم^۲ به آن اشاره شده، می‌زیستند. در هزاره اول قبل از میلاد، همه اورارتویان و مردم ماننا و ماد را گوتی می‌نامیدند. فقط گاهی در کتیبه‌های سارگن دوم، مادهای ایرانی زبان از گوتیان مشخص و ممتاز گشته‌اند. گوتیان در قرن بیست و سوم قبل از میلاد و زمان سلطنت (نارام سوئن) پادشاه اکد، در صحنه تاریخ پدید می‌آیند. از پادشاهان گوتی می‌توان به حینبا، انیشوش، سارالاکاپ، هلولوش و تیل‌گان اشاره نمود. ضعف شدن حکومت گوتی‌ها موجب شد تا از اکدی‌ها شکست خورده و به زاگرس مراجعت کنند و در این محل به زندگی خود ادامه دهند. در مجموع، حاکمیت گوتی‌ها در بین‌النهرین حدود یک قرن استمرار داشته است.

لولوبی‌ها

این قوم در مناطق زهاب، شهر زور و شمال غرب ایران زندگی می‌کرده‌اند. قدیمی‌ترین سندی که به نام «لولوبی» اشاره کرده، به زمان نارام سین پادشاه اکد (۲۳۵۰-۲۳۰۰ ق.م) برمی‌گردد. دومین سند، نقش برجسته سرپل زهاب به نام آنوبانی نی پادشاه لولوبی می‌باشد که به خط اکدی و با زبان لولوبی‌هاست. نقش برجسته آنوبانی نی در سرپل زهاب، واقع در استان کرمانشاه پرده‌ای است که در آن سردار در برابر شاهی ایستاده و پشت سر شاه ستاره ایشتار می‌درخشد (محسنی و...، ۱۳۷۵: ۱۱). این نقش، قدیمی‌ترین اثر بر جای مانده

^۲ Gutium -

از نقش حلقه قدرت مربوط به پادشاه لولوبی‌ها ست، او در حالی که پای چپش را بر روی یکی از اسیرانش قرار داده، در حال گرفتن حلقه قدرت از الهه ایشتار است. در پشت سر وی کتیبه‌ای به زبان اکدی نقش شده است. آنبانی نی پادشاه لولوبوم تصویر خویش و تصویر نی نی را بر کوه بادبر نقش کرد. آن کس که این لوح را محو کند به نفرین ولعن انو، آنونوم، بل، بلیت، رامان، ایشتار، سین و شمش گرفتار باد و نسل او بر باد رود (دیاکونوف، ۱۳۴۵: ۱۰۳-۱۰۰). ملکه آنبانی نی، اصالت اکدی یا لولوبی داشته که نقش برجسته منسوب به او از قدیمی‌ترین سنگ‌نشته‌های ایران با قدمتی حدوداً ۴۳۰۰ سال است (دیاکونوف، ۱۳۴۵: ۱۹۳). سومین سند، نقش برجسته‌ی هوری شیخان است که به این قوم اشاره دارد. احتمالاً این قوم دامنه نفوذ خود را تا نواحی شمال ایلام گسترش داده باشند. لولوبی‌ها از نخستین گروه قومی بودند که در هزاره چهارم پیش از میلاد در فلات ایران ساکن بوده‌اند (همان: ۹). در منابع آمده است: نارام سین نوه سارگون از شاهان امپراتوری اکد، در قرن ۲۳ پیش از میلاد در کتیبه‌ای از لولوبی‌ها یاد کرده و شرح پیروزی خود بر آنان را نوشته است. این کتیبه بعدها و در سنوات سال ۱۲۰۰ پیش از میلاد، توسط شوتروک ناهونته پادشاه مقتدر ایلام، به شوش انتقال یافت و شرحی بر آن افزوده شد (همان: ۱۰). قبایل لولوبی بخش وسیعی از کوه‌ها و کوهپایه‌ها را از قسمت علیای دیاله تا دریاچه ارومیه را تحت اشغال خود داشته‌اند (همان: ۱۰). محل تمرکز اصلی لولوبیان در استان کرمانشاه بود. شهرها و کشورهای مهم آن دوران در ایران غربی عبارت بودند از: تاندیم، سوماشتو، آشورو، الامو، کاشو، گوتو و لولوبو (همان: ۹).



کاسی‌ها

اسناد تاریخی نشان می‌دهد که کوهستان زاگرس در هزاره‌ی سوم تا هزاره‌ی اول قبل از میلاد به دلیل شرایط و موقعیت جغرافیایی شاهد تحولات شگرفی در عرصه‌ی ساخت ابزارهای مفرغی بوده است. این تحولات با حضور اقوام مهاجر به ویژه قوم کاسیت در این منطقه مقارن شده است. محل سکونت اصلی کاسی‌ها جنوب غربی دریای خزر بوده است. این قوم حدود نیمه‌ی دوم هزاره‌ی سوم ق.م مهاجرت کرده و در زاگرس ساکن شده‌اند. کاسی‌ها با حملات ایلامی‌ها به بین‌النهرین شکست خوردند. بنا بر اسناد تاریخی، کاسی‌ها پس از این تاریخ در منطقه‌ی ایلام و لرستان فعلی استقرار یافتند. بر اثر کاوش‌های باستان‌شناسی، آثار برنزی متعلق به کاسی‌ها از گورستان‌ها و محوطه‌های باستانی این ناحیه به دست آمده است. قوم کاسیت (کاسی) احتمالاً از نواحی قفقاز وارد نجد ایران شده و به تدریج در نواحی غرب زاگرس استقرار یافته‌اند. در جریان حفاری‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی، آثار منسوب به این قوم از گورستان‌ها و محوطه‌های ایلام، کرمانشاه و لرستان به دست آمده است. وجود ده‌ها اثر باستانی شامل محوطه‌ها و

گورستان‌های مکشوفه و متعلق به دوره‌های مختلف به ویژه دوران مفرغ در این منطقه از نظر مطالعات فرهنگی اهمیت دارد. با این وصف می‌توان گفت: «چوار» در دوران مفرغ و متعاقب آن در عصر آهن تحولات شگرفی داشته است. تعدد و تنوع ابزار مفرغی که حاصل فکر، اندیشه، ابتکار و خلاقیت سازندگان این ابزار و اشیاء بوده، مؤید این مطلب است. به دلیل کشف مقادیر زیادی از این نوع آثار در این دوره از تاریخ، تحولات باستان‌شناسی به نام عصر برنز معروف شده است.

واژه‌شناسی کاسی‌ها: نویسندگان در منابع خود واژه‌های متعدد و مختلفی برای قوم کاسی به کار برده‌اند. در فرهنگ عمید از این طایفه به نام «کاسی سو» یاد شده و اشاره دارد که آنان را کوسیان و کیسی هم گفته‌اند. در منابع آشوری از قوم کاسی به صورت کاشو (کاشی) یاد شده است. «سر پرسی سایکس» در کتاب تاریخ ایران نوشته است: واژه امروزی هوز (خوز) از کلمه هسی (اُکسی) به معنای نام قوم کاسی گرفته شده است. او کاسی‌ها را از قبایل قدیمی سرزمین خوزستان (ایلام باستان) می‌داند. به نقل از مؤلف تاریخ کرد و کردستان آمده است: واژه‌های امروزی کاک، کاکا، کاکاوند، کاکه، کاکو و... مأخوذ از واژه کاسی هستند.

در اکثر منابع به نام‌های کاسپین (دریای خزر)، رود کاسکان (کاسیان) «رود کشکان»، کاسیان (منطقه کاسی در لرستان) و برخی نام‌ها چون کاسیت، کاشی، کاشو، کاشن، کاسپی، کاسیوس، کیس، کوشین، کاسان اشاره شده است. احتمال دارد «سی‌کان» در نزدیکی دره شهر استان ایلام ممکن است با این واژه ارتباط داشته باشد. گیرشمن هم در کتاب خود به واژه کاشو (خدای بومیان قدیم لرستان) اشاره نموده است. محوطه

باستانی «کولسی» در شهرستان سیروان از توابع استان ایلام احتمالاً متعلق به دوره کاسیان باشد. طوایفی از ایل بیرانوند در منطقه لرستان زندگی می‌کنند که بررسی نام و ریشه‌یابی واژه‌های تشکیل‌دهنده آنها با اهمیت است. نام یکی از این طوایف «کر» می‌باشد. به نظر می‌رسد این واژه در عصر کاسیان نام بخش اول دولت آنها («کارا»، «کارا - دویناش») را تشکیل می‌داده است. ضمناً نام یکی از شاهان سلسله کاسی «کارا - ایندش» بوده است. واژه‌های دیگری در این منطقه وجود دارد که نیاز به بررسی و پژوهش‌های علمی دارد. کاسی‌ها تا قرن دوازده ق.م در ناحیه بین‌النهرین حکومت کرده‌اند و سپس، در دامنه‌ها و دشت‌های میان‌کوهی رشته‌کوه عظیم زاگرس سکنی گزیده‌اند.

منشأ قومی و جغرافیایی کاسیان: رشید یاسمی در مورد منشأ قوم کاسی نوشته است: «مکان اصلی آنها معلوم نیست. آثار موجود حاکی است که از مرکز کوهستان زاگرس برخاسته‌اند و از معابر شمال ایلام وارد بین‌النهرین شده‌اند. در قرن ۲۴ ق.م نام مکانی را در شمال ایلام می‌بینیم که آن را کاشن می‌خوانده‌اند. بعید به نظر می‌رسد که در آن عهد طایفه معروف کاسی در سرزمین لرستان بوده باشند. لذا، به ناچار باید بگوییم که محل مزبور کاشن نام داشته و قوم کاسی بعد از ورود به آنجا از محل خود نامی اختیار نموده‌اند.» پیرنیا نوشته است: «به نظر می‌رسد آنها از شمال و نواحی کشور چین آمده باشند؛ زیرا اشیای مفرغی که در چین به دست آمده، عیناً با برخی از مفرغ‌های لرستان یکی است. برخی گمان می‌کنند که کاسیان از مردم آریایی بوده‌اند و خدای آنها سوریايش نام داشته است.»

در خویشاوندی این قوم با ساکنان اروپا شکی نیست؛ زیرا اشیای برنزی لرستان و طالش و قفقاز به قدری شباهت به اشیای برنزی مکشوفه در مجارستان، بلغارستان، آلمان، سوئیس و شبه جزیره‌ی اسکاندیناوی دارد که با هم اشتباه می‌شوند. وجود این اشیاء در هزاره‌ی اول و شباهت آنها با اشیای مکشوفه از لرستان در هزاره‌ی دوم ق.م ثابت می‌کند که این دو قوم با هم خویشاوندی داشته‌اند و در آغاز عقاید و کیش مشترکی داشته‌اند. او کاسیان را از مهاجران شمالی می‌داند. کاسیان از جانب کبیرکوه و پشت کوه در دوران حکومت پسر حمورابی (۲۰۸۰-۲۰۴۳ ق.م) به بین‌النهرین حمله کردند؛ ولی مغلوب شدند و سیصد سال بعد در سال ۱۷۵۰ بار دیگر به بابل حمله کردند و تا ۱۱۸۰ در آنجا تسلط داشتند.

مهاجرت کاسیان: بسیاری از اقوام به دلایل مختلف از جمله شرایط اقلیمی، کشف سرزمین‌های جدید، جنگ و توسعه‌ی ارضی، فعالیت‌های دام‌پروری و... سرزمین اصلی خود را ترک و به سرزمین‌های جدید مهاجرت کرده‌اند. هرچند مهاجرت‌ها ممکن است موقت یا دائم بوده باشد، ولی برای مهاجرت کردن، بررسی راه‌ها و مکان‌های عبور و مرور مناسب و مطمئن مورد توجه بوده است. مهاجرت قوم کاسی احتمالاً در هزاره‌ی سوم قبل از میلاد از نواحی شمالی نجد ایران و ناحیه‌ی قفقاز به داخل فلات ایران صورت پذیرفته باشد. بررسی منابع نشان می‌دهد اقوام گیل (گل) و کادوسی‌ها که از اقوام متمدن فلات ایران بوده‌اند، قبل از ورود آریایی‌ها در سرزمین دیلمستان و حواشی دریای خزر استقرار داشته‌اند. به نظر می‌رسد حوزه‌ی استقرار کادوسیان، نواحی غرب دریای خزر را در بر گرفته باشد. مؤلف کتاب «راه و رباط» نوشته است: «دلیل دیگر بر وجود راه‌های

منظم و معین در ازمنه پیش از تاریخ، مسیرهایی است که از طریق آنها مهاجرت‌های دسته‌جمعی صورت گرفته است. مهم‌ترین این مهاجرت‌ها، مهاجرت اقوام آریایی است. **کاسیان و هنر فلزکاری:** براساس مطالعات انجام شده بر روی آثار، اشیاء و ابزار به‌دست آمده از حفاری‌های باستان‌شناسی، مردم ساکن نواحی مختلف ایران از زمان‌های پیش از تاریخ اقدام به استخراج فلزات مختلف نموده و با شیوه‌های ابتدایی وسایل و ابزارهای متعدد و متنوعی ساخته‌اند. براساس کاوش‌های باستان‌شناسی، مردم ساکن ناحیه مرکزی ایران در هزاره‌ی پنجم قبل از میلاد اشیاء و ابزارهای از مس ساخته‌اند که نمونه‌هایی از این آثار در تل ابلیس کرمان به‌دست آمده است. مردم این ناحیه و سایر نقاط مجاور حاشیه رودخانه لاله زار به‌دلیل نزدیکی با معادن فلزات، به ویژه معدن مس از حدود هفت هزار سال پیش با صنعت مس و بهره‌گیری از این فلز آشنا بوده‌اند. در حفاری و کاوش تپه‌های باستانی دهلران در حاشیه رودخانه دویرج موسیان، علی‌کش و محمدجعفر، آثاری در خصوص استفاده مردم ساکن این منطقه از مس و ساختن ابزارهای مسی در هزاره‌ی هشتم قبل از میلاد به‌دست آمده است. با توجه به اهمیت و گستردگی استفاده از فلز مفرغ، دوران بهره‌گیری از این فلز به سه دوره عمده تقسیم شده است:

دوره مفرغ قدیم (از ۲۹۰۰ تا ۲۰۰۰ ق.م)؛

دوره مفرغ میانه (از ۲۰۰۰ تا ۱۶۰۰ ق.م)؛

دوره مفرغ جدید (از ۱۶۰۰ تا ۱۲۰۰ ق.م).

در برخی منابع دیگر، دوره مفرغ میانه را ۲۵۰۰ تا ۱۶۰۰ ق.م ذکر کرده‌اند. «سرپرسی سایکس»، «سراورل استاین» و برخی هیأت‌های باستان‌شناس دیگر به بررسی فرهنگ عصر مفرغ در غرب ایران پرداخته‌اند. یک گروه عمده از اشیاء و ابزار مکشوفه در ناحیه زاگرس غربی شامل جنگ‌افزارها و سلاح‌های جنگی برنزی است که از حفاری‌های محدودۀ کوه‌های زاگرس به ویژه در نواحی کرمانشاه، ایلام و لرستان به همراه سایر اشیاء و ابزار از قبرستان‌های باستانی به دست آمده‌اند. قسمت عمده این سلاح‌ها در اواخر هزاره‌ی دوم و اوایل هزاره‌ی اول پیش از میلاد مورد استفاده قرار گرفته است.

بیشتر این سلاح‌ها از طریق قالب‌گیری یک‌پارچه ساخته شده و روی برخی از آن‌ها تزئین شده یا کتیبه‌هایی به زبان رایج آن زمان حک شده است. بخش عمده اشیای برنزی را سلاح‌ها و جنگ‌افزارها، قطعات زین و برگ، اشیای زینتی، اشیای نذری، ظروف غذاخوری و ... تشکیل داده است. مسئله فراوانی ابزار جنگی مکشوفه از محوطه‌های منسوب به دوره کاسیان در غرب ایران نسبت به سایر اشیاء در بررسی‌های باستان‌شناسی از جهات مختلف اهمیت دارد و لازم است جداگانه بررسی شود. اشیاء و ابزار مفرغی که تحت عنوان مفرغ لرستان معروف شده است در گورستان‌های کاوش‌شده دره‌های غرب زاگرس از تراکم بیشتری برخوردار است. بررسی گزارش‌های هیأت مشترک ایران و بلژیک به سرپرستی «واندنبرگ» این مسئله را تأیید می‌نماید. ابزارآلات و اشیای مفرغی اولین بار در سال ۱۳۰۴ به وسیله مردم روستاها پیدا شد و از آن به بعد که محققان راه تازه‌ای برای بررسی یافته بودند، متوجه مفرغ لرستان شدند. در منابع تاریخی اشاره شده که محل سکونت یا خانه مسکونی از صنعتگران برنز در لرستان به دست نیامده و

آنچه به عنوان برنز لرستان پیدا شده و امروزه در موزه‌های مختلف مشاهده می‌شود، از گورستان‌های آنها به دست آمده است. معمولاً این ابزار همراه مردگان دفن شده است. حمید ایزدپناه می‌نویسد: «کوشش هنرمندان فلزکار برای پیدا کردن رموز جدیدی از نظر تجسم خداوند بوده است که هوشمندی خود را به کار بسته‌اند و هنر در خدمت بت‌سازی قرار گرفته است. با توجه به موارد مطرح شده، می‌توان اظهار نظر نمود که قوم کاسیت نیز از جمله اقوام مهاجر است که در مقطعی از تاریخ (حدود هزاره‌ی سوم) در غرب ایران استقرار یافته‌اند. به دلیل بهره‌گیری این قوم از فلز مفرغ و ساخت ابزارهای بزرگ، عصر طلایی مفرغ را منسوب به این قوم می‌دانند و تعدد و تنوع این گونه ابزارها که از حفاری‌ها و کاوش‌های علمی باستان‌شناسی به دست آمده، فرهنگی خاص را پدید آورده که به نام «فرهنگ عصر برنز» معروف است (محمودیان، ۱۳۹۱: ۹۶).

کاسیان و ساکنان میان‌رودان: قوم کاسیت (کاسی، کاشی، کاشو) در مقطعی از تاریخ (هزاره‌ی دوم قبل از میلاد) در حاشیه غربی کوهستان زاگرس و همسایگی تمدن‌های بزرگ آن روزگار (ایلام و بین‌النهرین) سکونت اختیار کرده است. حضور قوم تازه‌وارد در سرزمین ایلامیان و ارتباط آنها با ساکنان متمدن این منطقه موجب شکوفایی فرهنگ آنان و تبادل تمدنی شده است. کاسیان در ۱۸۰۰ ق.م به سرزمین جنوبی بین‌النهرین وارد شده و حدود شش قرن بر این منطقه استیلا یافته‌اند. کاسی‌ها تا قرن دوازده ق.م در ناحیه بین‌النهرین حکومت کرده‌اند.

تمدن شهر سوخته

شهر سوخته از آثار مهم منطقه شرقی فلات مرکزی است که در فاصله‌ی ۴۵ کیلومتری شهرستان زابل استان سیستان و بلوچستان واقع شده است. در این شهر کهن با حدود پنج

هزار سال قدمت، آثار بسیاری کشف شده است. حفاری‌ها این شهر باستانی مدفون را از زیر زمین بیرون آورده است. یافته‌های علمی حاصل از پژوهش‌های باستان‌شناسی، اطلاعات گسترده‌ای در مورد این شهر تاریخی ارائه داده است. شهر سوخته در حوزه رودخانه هیرمند واقع شده است. حفاری این اثر باستانی که بر روی یک تپه در ارتفاع حدود بیست متر از سطح زمین‌های اطراف واقع شده، با حفر گمانه‌ای به ابعاد 40×10 متر آغاز و به چهار قسمت تقسیم شده است. به دنبال این مرحله، گمانه دیگری در فاصله‌ی ۲۰۰ متری، به ابعاد 10×10 متر حفر شده است. در جریان این حفاری‌ها بقایای آثار ساختمانی نمایان گردیده است. بخشی از معماری آثار در زیر طبقه به دست آمده که به کلی ویران شده‌اند و به نام «طبقه ویران» معروف گردیده است. آثار قطعات مختلف چوب و زغال در طبقات مختلف شهر سوخته به خاطر آتش‌سوزی است که احتمالاً موجب ویرانی اثر شده باشد.

تمدن شهداد

محوطه باستانی شهداد در اواخر سال ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ توسط علی حاکمی کاوش شد. بررسی گزارش‌های این هیئت حاکی است که شهداد در هزاره‌ی سوم ق.م محل سکونت بوده است. در جریان کاوش‌های باستان‌شناسی مقادیر زیادی اشیای فلزی در این تپه به دست آمده است که متداول‌ترین آنها اشیای فلزی شامل ظروف و ابزار ساده‌ای از مس یا یکی از آلیاژهای آن و دیگر فلزات گرانبها بوده است. از «بخش الف» گورستان شهداد، صفحه یا پلاکی مربع شکل یافت شد که تصاویری جالب از یک مراسم آیینی بر روی آن کنده کاری شده و همچون پرچم یا نشان بر روی میله‌ای مفرغی سوار بود؛ بر بالای این میله، پرنده‌ای شکاری با بال‌های گسترده دیده می‌شود.

تمدن سیلک

سیلک نام نخستین تمدن ایران مرکزی است که در منطقه فین کاشان واقع شده و حدود بیش از هشت هزار سال قدمت دارد. این تپه دراصل ویرانه‌های زیگورات باستانی ایران است که حدود هزاره هشتم پیش از میلاد، با روی آوردن مردم غارنشین و کوه نشین فلات ایران شکل گرفته است. کهن‌ترین مردم دشت‌نشین ساکنان سیلک بوده اند که آثار زندگی در آن‌جا به دست آمده است (پرویز، ۱۳۹۰: ۲۵). سیلک یکی از محوطه‌های باستان‌شناختی مهم فلات ایران است که حدود بیش از هفت هزار و پانصد سال پیش از میلاد، یکی از قدیمی‌ترین سکونت‌گاه‌های فلات مرکزی ایران در آن به وجود آمد.^۳ مهم‌ترین سازه این اثر تمدنی، زیگورات سیلک بوده؛ که تاریخ ساخت آن در حدود پنج الی هفت هزار پیش برمی‌گردد.^۴ مجموعه آثار سیلک کاشان، شامل دو تپه باستانی و قبرستان‌های A و B می‌باشد. تپه شمالی با ابعاد ۶×۱۱۰×۳۲۰ متر طی سه فصل به وسیله «رومن گیرشمن» مورد حفاری و کاوش قرار گرفته است (۱۳۱۶ - ۱۹۳۳ م). آثار این تپه معرف دو دوره پیوسته فرهنگی است. بررسی‌های باستان‌شناسی سکونت و استقرار در این تپه را از هزاره‌ی هفتم تا هزاره‌ی پنجم ق.م می‌داند. تپه جنوبی نیز دارای هشت دوره فرهنگی است که از اواخر هزاره‌ی پنجم تا هزاره‌ی اول ق.م را نشان می‌دهد. باستان‌شناسان قبرستان را به آریایی‌ها نسبت می‌دهند و احتمالاً متعلق به دوره مادهاست. بر اساس بررسی‌های باستان‌شناسی دوره I سیلک شامل پنج طبقه می‌باشد که قدیمی‌ترین لایه آن متعلق به اوایل هزاره‌ی هفتم قبل از میلاد بوده و دارای

^۳ -iranicaonline.org ۱ [CHRONOLOGY OF IRANIAN HISTORY PART](#)

^۴ -[«Siolk hills, the story of ۷,۵۰۰-year-old ziggurat»](#)

بقایای معماری است. سفال این لایه از نوع سفال‌های خاکستری، قرمز ساده، قرمز منقوش و سفال روشن با نقوش هندسی است. در طبقات بالاتر این دوره، اشیایی از سنگ، استخوان و مس به دست آمده است. به نظر می‌رسد در این دوره ساکنان سیلک اقدام به ذوب مس نموده باشند. دوره II سیلک شامل سه طبقه و متعلق به اواسط هزاره‌ی پنجم ق.م است. در طبقات یک و دو این طبقه، از سنگ مرمر و فیروزه بهره‌گیری شده و معماری آن با استفاده از مصالح خشت خام بنا گردیده است. در طبقه بالا، ساکنان سیلک به مکان دیگری تپه جنوبی نقل مکان کرده‌اند. تپه جنوبی دارای دو دوره فرهنگی است که دوره سیلک III نامیده می‌شود و هشت لایه دارد و قدیمی‌ترین لایه آن متعلق به اواخر هزاره‌ی پنجم می‌باشد.



در دوره سیلک IV لوحه‌هایی با خطوط ایلامی کشف شده که متعلق به هزاره‌ی سوم ق.م هستند. سیلک V قبرستان A و سیلک VI قبرستان B را تشکیل می‌دهد که این قبرستان متعلق به دوره آریایی‌ها است (محمودیان، ۱۳۸۶: ۶۸).

در سال ۱۳۸۰ خورشیدی صادق ملک شه‌میرزادی از سوی سازمان میراث فرهنگی ایران جهت کاوش به منطقه فرستاده شد. گروه کاوش طی ۵ فصل کاوش که تا سال

۱۳۸۵ ادامه داشت، به نتایج جدیدی دست یافتند که در شش مجلد مجموعه مقالات کاوش شامل:

زیگورات سیلک: گزارش فصل اول کاوش؛

سفالگران سیلک: گزارش فصل دوم کاوش؛

نقره کاران سیلک: گزارش فصل سوم کاوش؛

شکارچیان سیلک: گزارش فصل چهارم کاوش؛

سیلک، کهن‌ترین روستای محصور ایران؛

روستایان سیلک و گزارش نهایی کاوش توسط پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری چاپ و منتشر شد (ملک شه میرزادی، ۱۳۹۰).



محوطه سیلک کاشان و نمونه ظرف کشف شده

تمدن‌های حوزه هلیل رود

استقرار در مناطق حوزه‌ی هلیل رود قدمتی طولانی دارد. پژوهش‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد که ساکنان حوزه‌ی هلیل رود در جنوب شرقی ایران از هزاره‌ی نهم ق-م با گذر از دوره‌ی غار نشینی به دشت‌ها سرازیر شده و در دهکده‌های اولیه استقرار یافته‌اند. بررسی استخوان‌های به دست آمده از لایه‌های نوسنگی تل ابلیس نشان می‌دهد

که ساکنان این منطقه همراه با فعالیت‌های کشاورزی امر دامداری و اهلی کردن دام را رواج داده‌اند. کشف داس سنگی در تپه یحیی و نمونه‌های مشابه آن در تل ابلیس تحول در فعالیت‌های کشاورزی در شرایط مساعدی برای دامداری بیش‌تر روشن می‌شود. استمرار و ادامه تحولات دوره‌ی نوسنگی با پیدایش سفال در هزاره‌ی پنجم ق-م در حوزه‌ی هلیل رود و دشت جیرفت گسترده تمدن این منطقه را در دوره‌ی نوسنگی بیشتر روشن نموده است. بررسی و مقایسه سفال‌های مکشوفه از تپه‌های حوزه‌ی هلیل رود با سفال‌های شوش ارتباط تمدن ساکنان کرمان را با حوزه‌ی جنوب غربی ایران نشان می‌دهد. تل ابلیس در سال ۱۹۳۱ به وسیله‌ی اورل اشتاین سیاح و باستان‌شناس انگلیسی مورد بررسی قرار گرفته و به دنبال آن پرفسور کلدول^۵ سال ۱۹۶۴ در این تپه‌ی باستانی به پژوهش پرداخته و آثار مهمی مربوط به ادوار پیش از تاریخ کشف نموده است. اعزام کارلوسکی سرپرست هیأت باستان‌شناسی دانشگاه هاروارد به جیرفت و به دنبال آن کشف تپه یحیی و هفت فصل حفاری و کاوش در این محوطه بخش عمده‌ای از تاریخ هزاره‌های پنجم تا سوم قبل از میلاد حوزه‌ی هلیل رود روشن می‌شود. حفاری‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی در چند دهه‌ی گذشته، اطلاعات و دانش بیشتری در مورد محدوده‌ی تمدن ایلام باستان و سرزمینانشان ارائه داده است. به طوری که کشفیات باستان‌شناسی ملیان فارس و به دنبال آن یافته‌های باستان‌شناسان داخلی از جمله دکتر یوسف مجیدزاده و میرعابدین کابلی در شهداد، تل ابلیس و تپه یحیی و نیز به استناد گل نبشته‌های سومری، سرزمین آرتا^۶ را در منطقه‌ی کرمان و حوزه‌ی هلیل رود معرفی

^۵ - caldwell

^۶ - ARATA

نمود. بدیهی است این تلاش‌ها باید استمرار یابد تا با کشفیات جدید بتوان به اهداف پیش‌بینی شده در مورد موقعیت تمدنی سرزمین آراتادر منطقه‌ی جنوب شرقی کشور دست یافت. (محمودیان، ۱۳۸۶: ۷۱)

تمدن‌های حوزه دریای مازندران و کوهستان البرز

کادوسی‌ها: این قوم از اقوام ایرانی‌تبار بوده‌اند که در ناحیه گیلان و آذربایجان استقرار داشته‌اند. برخی منابع محل سکونت آنان را محدوده بین دریای خزر و دریای سیاه دانسته‌اند. بنا بر گفته استرابو، کادوسی‌ان در کرانه جنوب غرب دریای کاسپین و جنوب رود ارس می‌زیسته‌اند.

تمدن مارلیک: تپه مارلیک در چهارده کیلومتری شمال شرقی رودبار و کنار دره گوهر رود واقع است. تپه مارلیک دارای ۱۳۵ متر طول و ۸۰ سانتی‌متر عرض می‌باشد. مارلیک به گویش محلی به معنای «جایگاه مار» است؛ اما به نظر می‌رسد مارلیک مرکز «ماردها» بوده باشد. این تمدن در تپه چراغعلی رودبار گیلان امروزی شکل گرفته و به لحاظ آثار باستانی، از غنای بالایی برخوردار است. مارلیک تا سال ۱۳۴۰ ناشناخته بوده است. اطلاعات اولیه در مورد این تپه بیشتر مربوط به اشیایی است که به‌طور اتفاقی به وسیله روستاییان ناحیه یا حفاری‌های غیرمجاز به‌دست آمده است. فعالیت رسمی باستان‌شناسی مارلیک از سال ۱۳۴۰ توسط یک هیئت باستان‌شناسی داخلی به سرپرستی عزت‌اله نگهبان شروع شد. این هیئت موفق شد ۵۳ گور باستانی را در نقشه توپوگرافیک تپه پیاده کند. ۲۸ گور حاصل تلاش و کشفیات هیئت علمی و ۲۵ گور باقی‌مانده از حفاری‌های غیرمجاز شناسایی شده بود. گورهای مارلیک از چهار دیواره سنگ‌چین ساخته شده‌اند. مصالح آنها از سنگ‌های آهکی است. در بعضی از گورها مرده را کمی

بالا تر از کف گور بر روی تخته سنگی به صورت سکو خوابانده بودند و معمولاً مردگان را با لباس دفن کرده‌اند. تعداد زیادی زیورآلات و سنگ‌های عقیق مزین به نوارهای طلا، گوشواره، انگشتری، زنجیرهای ساده و مرکب، دکمه‌های زرین، سوزن‌های طلا و دست‌بند و بازوبند، جام‌های نقره و... از حفاری‌های مارلیک به دست آمده است. در منطقه مارلیک سه نوع سفال یافت شده است:

سفال‌های نازک و بسیار سبکی که روی بدنه‌شان صیقل داده شده است؛
 سفال‌های تا اندازه‌ای سنگین، با بدنه‌های ضخیم‌تر که صیقل داده شده‌اند؛
 سفال‌هایی به رنگ قرمز که خوب پخته شده و دارای بدنه‌ی نازک و ظریف بوده است.
 برخی از پژوهشگران، سفال‌های این منطقه را متعلق به اوایل هزاره‌ی اول پیش از میلاد می‌دانند و عده‌ای دیگر این سفال‌ها را به قرون هشتم و نهم پیش از میلاد نسبت می‌دهند. این آثار با آثار سیلک کاشان، حصار دامغان، مکان‌های باستانی دیلمانی، کلاردشت مازندران و زیویه کردستان قابل مقایسه است. عزت‌الله نگهبان در گور شماره ۳۶ حلقه‌ی قطور بزرگ مفرغی ساده با دو سر باز، متعلق به سده‌های نخست هزاره‌ی اول پیش از میلاد را پیدا کرده است. این حلقه‌ها سر برگشته نداشته و قطر زیاد آنها غیرعادی است.
تمدن ماناها: این تمدن در اوایل هزاره‌ی اول قبل از میلاد در شمال غرب ایران شکل گرفته است. آنان در دوران اقتدار خویش توانستند بر نواحی جنوب شرقی دریاچه ارومیه تا حدود جنوب غربی دریای مازندران تسلط یابند. در جریان کاوش‌های باستان‌شناسی آثاری از فرهنگ مانایی در محوطه‌های باستانی زیویه کردستان و حسلو

آذربایجان به دست آمده است. لایه V و IV محوطه باستانی حسلو به ترتیب عصر آهن I و II، متعلق به دوره حکومت ماناهاست.

تمدن آماردها: نام آمل از «آماردها» و نام طبرستان از «تپوری‌ها» گرفته شده است. بعداً این ناحیه را تپورستان (طبرستان) می‌گفتند. نام اصلی این قبیله آمو یا آمل بود که در فارسی باستان به آمرد یا مرد تبدیل شده است. در برخی منابع به آنها مارد نیز گفته‌اند. یکی از مناطق باستانی مهم ایران که میتوان به این قوم نسبت داد تمدن مارلیک در منطقه گیلان است. این قوم در حاشیه جنوبی دریای خزر استقرار داشته‌اند. در دوران اسکندر مقدونی سرزمین آمارد به سرزمین تپور ضمیمه گشت. (دیاکونف، ۱۳۵۱: ۱۰) تیرداد اشکانی دومین پادشاه اشکانی هیرکانیا و کومس و کناره‌های جنوبی دریای خزر که مملکت اقوام تپوری بود را به تصرف خود درآورد و پایتخت خود را به شهر سلوکی صد دروازه در ناحیه کومس انتقال داد.

در دوران اشکانیان، فرهاد اول پادشاه اشکانی در حدود سال ۱۷۶ ق. م آماردها را تحت انقیاد خود درآورد و آنان را به خاراکس (گرمسار) کوچانید و تیره‌ای از تپورها را در خاک آمارد کوچانید و تپورها در نواحی باختری جایگزین آماردها گشتند (مارکوارت، یوزف، ۱۳۷۳: ۲۵۶). (برزگر، ۱۳۸۰: ۵۹). ایزیدور خاراکسی مورخ یونانی ذکر می‌کند که آماردها در زمان فرهاد اول به منطقه خاراکس کوچانده شدند). پیرنیا، ۱۳۹۱: ۱۸۳) نام‌های «آمل» و «آمودریا»، از آماردها گرفته شده‌اند.

تمدن الیمایی: حوزه سکونت الیماییان در جبهه جنوب غربی ایران تقریباً تمامی نواحی تحت حکومت ایلام جدید را در بر می‌گرفت و با وجودی که دامنه و وسعت این

حکومت محلی به خوبی مشخص نیست، ولی ناحیه وسیعی از خوزستان و اصفهان تا خلیج فارس را در بر می‌گرفت. در آغاز، بیشتر مناطق کوهستانی مورد توجه و سکونت الیمایی‌ها بود و خاستگاه اصلی آنان را کوه‌های شرق و شمال شرقی خوزستان و به طور خاص، کوه‌های زاگرس میانی دانسته‌اند. در برخی منابع آنان را از اقوام قدرتمند هزاره‌ی سوم پیش از میلاد در خوزستان می‌دانند که پس از شکست از آشور بانی پال‌ها در انزوای سیاسی به سر برده‌اند. آن‌ها موفق شدند تحولاتی در جامعه آن روز ایجاد کنند؛ به طوری که خود خالق و اشاعه‌دهنده فرهنگ بومی شده‌اند. آثار متعددی از آنها بر جای مانده که گویای توانمندی‌شان در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و حکومت‌داری است. معابد سنگی بسیار با شکوه، مقابر سردابه‌ای پر تکلف، انبوهی از نگارکندها، سکه‌ها، گچ‌بری‌ها، پیکرک‌ها و مجسمه‌های فلزی، نمونه‌هایی از این آثارند. بی‌تردید الیماییان از معدود ایالت‌های خودمختار و کوچک محلی بوده‌اند که توانسته‌اند در تمامی ارکان دولت ایران تأثیر به‌سزایی داشته باشند. در میان الیماییان دو نوع زبان وجود داشته است. یکی خاص منطقه کوهستانی و دیگری متعلق به دشت بوده است. هنینگ معتقد است: جمعیت کوهستان به گویش الیمایی نوسخن می‌گفتند و مردم دشت به گویش آرامی. حکومت الیماییان از سال ۱۸۷ پ.م با شکست آنتیوخوس سوم آغاز و تا پایان دوران پارتی به حیات خود ادامه داده است.

مراکز استقرار الیمایی‌ها

شهر دستوا: شهر دستوا در جنوب غربی شهرستان شوشتر بوده است. واژه دستوا احتمالاً تغییر نام داده «دشت آباد» است که به واسطه موقعیت طبیعی و حاصل‌خیزی زمین‌های این خطه بدان داده شده است. شهر دستوا را بر اساس کشفیات باستان‌شناسی «از مقرها

و پایتخت‌های الیمایی در دوران دوم حکومت محلی‌شان دانسته‌اند که طی چند قرن توسعه فراوانی یافته است. شهر دستوا در حقیقت پایتخت پادشاهان محلی الیمایی پس از به قدرت رسیدن شاهزادگان اشکانی بوده است. «مطالعات و بررسی‌های صورت گرفته حاکی از اشغال قسمت‌هایی از دشت میان‌آب و شهر دستوا برای اولین بار توسط اقوام الیمایی است.

ایذه: شهر ایذه در دشتی به همین نام از شهرهای باستانی خوزستان است که با توجه به شرایط طبیعی و جغرافیایی از غنای فرهنگی و تاریخی منحصر به فردی برخوردار است. از مهم‌ترین یادمان‌های باستانی این دشت می‌توان به نقوش برجسته‌های فراوانی متعلق به دوران ایلامی و الیمایی اشاره نمود. شهرستان ایذه را می‌توان به عنوان جایگاه اولیه الیمیایان به شمار آورد؛ کانونی که تجمعات اولیه الیمایی در آن شکل و منجر به تشکیل دولت الیمایی شد.

مسجد سلیمان: شهرستان مسجد سلیمان در استان خوزستان و دامنه کوه‌های زاگرس واقع شده که آثار شاخصی از دوران پیش از تاریخ و دوران‌هایی همچون ایلامی، هخامنشی و الیمایی را در خود جای داده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد این سرزمین بخشی از قلمرو تمدن ایلام بوده که در دوران اشکانی با ظهور الیمیایان بار دیگر جایگاه خویش را به دست آورده است. برد نشانده وصفه مقدس دو اثر منتسب به این قوم هستند. برد نشانده در شانزده کیلومتری شمال شرق مسجد سلیمان واقع شده است.

استقرارهای پیش ایلامی در غرب ایران

رشته کوه عظیم زاگرس با چینه‌های منظم و موازی در غرب فلات ایران واقع شده و به دلیل موقعیت جغرافیایی از شرایط مطلوب اقلیمی برخوردار است. تنوع آب و هوا،

بارش کافی، رودخانه‌های پرآب، پوشش جنگلی و مرتعی، دشت‌های حاصلخیز، جلگه‌های آباد، نزدیکی به دریا و حائل بودن بین فلات ایران و جلگه آباد و تاریخی میان رودان از جمله ویژگی‌های شاخص زاگرس غربی است که شرایط را برای زندگی و استقرار انسان در دوران باستان فراهم ساخته است. علی محمد خلیلیان در مقاله‌ای «ایلام در گستره تاریخ» به موقعیت پیش از تاریخ منطقه اشاره داشته و نوشته است: «کشور ایران از جمله سرزمین‌های آسیائی است که به لحاظ دیرین شناسی، اولین طلیعه حیات انسانی و امکان استقرار بشری را در اقلیم پهناور خود به ودیعه دارد» (خلیلیان، ۱۳۷۹، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۶۲-۶۷) او در ادامه مقاله خود نوشته است: «تحقیقات و کشفیات علمی، حضور انسان را با شرایط فیزیکی و جسمی موجود لااقل از مرز صد هزار سال پیش دوره پالئولیتیک میانه (عصر حجر قدیم) در عرصه زمین تأیید می‌نماید و ایران از چنین موقعیت ممتازی برخوردار است. قطعاً کشوری که از کرانه‌های سوزان خلیج فارس تا سواحل مرطوب دریای خزر دارای شرایط اکولوژیکی و بیولوژیکی با اختلاف حدود چهل درجه دما در یک زمان واحد می‌باشد، می‌بایست از معدود ممالک و سرزمین‌های باستانی جهان باشد که به قول ایران شناس معروف فرانسوی «رنه گروسه» در مقاله‌ای تحت عنوان ایران و نقش تاریخی آن «جغرافیایس مبین تاریخش می‌باشد». اگر بپذیریم که در هر حوزه فرهنگی تاثیرات محیط در پرورش انسان و سازش انسان با محیط طبیعی اطرافش یک امر اجتناب ناپذیر است، قهراً در هر بوم که مشترکات اقلیمی و آب و هوایی و بیولوژیکی دارد، گروهی از انسان‌ها با شیوه و روش‌های مشابهی آغازین روز حیات خود را براساس طبیعی و محیطی اطراف پشت

سرگزارده‌اند.» او در رابطه با موقعیت جغرافیایی منطقه و تأثیر پدیده‌های جغرافیایی در فرایند استقرار انسان از قدیم‌الایام تا دوران اخیر این چنین شرایط را ترسیم نموده و ادامه می‌دهد: «غرب ایران با وجود چین خوردگی‌های سلسله جبال زاگرس و دره‌هایی که با شیب ملایم و شیارهای موازی فلات مرکزی را از جلگه رسوبی بین‌النهرین در غرب مجزا می‌نماید در عین حال رابطی ثابت و ناقلی متحرک برای مبادله و مراوده ارزش‌های فرهنگی انسان‌های نخستین و جوامع مجاور خود بوده و عمدتاً این نقش تاریخی زمانی که دامنه‌های ملایم‌امکان استقرار و یکجانشینی را به مردمانش داده است بیش از هر زمانی رسوب تمدن‌های کهن را در دل خود جا داده و آثار ارزشمندی را در قالب ظاهر فرهنگ مادی و اتلال و تپه‌ها و محوطه‌های باستانی بر جای گذارده است.»

تپه باستانی موسیان : تمدن منس باستان

این تپه در منطقه موسیان از توابع شهرستان دهلران در نزدیک مرز ایران و عراق واقع شده است. هیأت فرانسوی به سرپرستی گوتیر و لامپر این تپه را حفاری نمود (1905, PP). *Lautier, J.* (1961-59). این محوطه با ۱۷/۵ ارتفاع از سطح زمین‌های اطراف بزرگترین تپه باستانی دشت دهلران و حتی جنوب غرب ایران است. مساحت آن ۵۵۰×۵۵۰ متر است (Neely and Wright, 1994: 57). بررسی‌ها نشان می‌دهد آجرهای پخته احتمالاً مربوط به هزاره دوم ق.م به صورت گسترده بر سطح محوطه پراکنده به دست آمده است.



تپه‌ی موسیان

شهر منس باستان

در منابع تاریخی به شهر منس اشاره شده است. استرابو می نویسد: اسکندر مقدونی هنگام یورش به سرزمین های شرقی به مرز میانی ایران و بین النهرین می رسد که قصد دارد از طریق جاده باستانی ابریشم به سمت شهر صد دروازه مرکز استقرار داریوش سوم هخامنشی برود که مسیر رادر شرق رود تیگرس (دجله) به سمت جنوب تغییر می دهد. او از اربیل روانه‌ی بابل شد و در بین راه به شهر منس رسید. در این شهر، غاری بود که از دامنه‌ی آن چشمه‌ی قیر جاری بود و بابلی‌ها از آن برای اندود خانه های خود استفاده می کردند. از آن جا که مسیر لشکر کشی اسکندر به سمت بابل از شرق رود دجله بوده است و شهر منس هم در این مسیر واقع شده بود و با توجه به این که شهر فعلی موسیان و تپه های پیش از تاریخ آن در ۱۵ کیلومتری جنوب شرقی دهلران قرار دارد و با نقشه‌ی مسیر لشکر کشی اسکندر به سمت بابل تطبیق می کند، احتمالاً محوطه های باستانی

منطقه‌ی موسیان بقایای همان شهر منس بوده باشد. از جهتی دیگر وجود غار خفاش و چشمه قیر دهلران با اطلاعات ارائه شده در رابطه با شهر منس باستان هم خوانی دارد.

تمدن ایلام

از سواحل شمالی خلیج فارس تا آسیای صغیر و سواحل خاوری مدیترانه و مصر بیش از شانزده تمدن در دوران باستان متولد شده و گسترش یافته است. قدیمی‌ترین تمدن، تمدن ایلام می‌باشد که آغاز ظهور آن به ۴۵۰۰ ق.م می‌رسد. ایلام ۳۸۶۰ سال در تاریخ جهان باستان دوام داشته است. حوزه جغرافیائی تمدن ایلام در دوران‌های پیش از تاریخ و تاریخی و اعصار اسلامی هم چنان بلا انقطاع تداوم تاریخی خود را سپری نموده است. جریان رودخانه‌های دائمی و پرآب نظیر سیمره (کرخه)، کارون و... در بخش غربی و رودهای کر، زاینده رود، هلیل رود و... در بخش شرقی زاگرس به سمت فلات مرکزی زمینه‌های مناسبی برای استقرار مداوم بشر نخستین تا امروز ایجاد نموده است. حوزه جغرافیایی ایلام باستان شامل خوزستان، ایلام کنونی، لرستان، بخشی از زاگرس، نواحی فارس، نواحی شرق دجله در سرزمین میان‌رودان و از جنوب به خلیج فارس تا نواحی هرمزگان محدود می‌شده و در اوج عظمت، از سمت مغرب به بابل، از شمال به اصفهان و از مشرق حتی تا خراسان می‌رسیده است (پیرآمیه، ۱۳۴۹: ۲؛ پاتس، ۱۳۸۵: ۲؛ اکبری، ۱۳۸۶: ۶۷). تا پیش از کشفیات اخیر باستان‌شناسی، سرزمین ایلام را فقط دشت خوزستان می‌دانستند؛ در حالی که، سرزمین ایلامیان نه تنها شامل جلگه شوش با رودهای دز، سیمره و کارون بود، بلکه مناطق کوهستانی را نیز در بر می‌گرفت (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۵). همچنین بابلیان قسمت مرتفع سرزمینی را که در مشرق بابل قرار داشت

ایلام کنونی) را الامتو^۷ یا الام^۸ (کوهستان یا بالای کوه) و شاید «کشور طلوع خورشید» (مشرق) می‌نامیدند (پیرآمیه، ۱۳۴۹: ۲؛ گیلانی، ۱۳۹۱: ۷۴).

به طور تقریبی می‌توان گفت تمدن ایلام از غرب به رودخانه دجله، از شمال به جاده خاوران، قصر شیرین فعلی تا همدان، از جنوب به خلیج فارس و جزایر این دریا و از شرق به خط فرضی همدان به استان هرمزگان و تنگه هرمز محدود است. به تعبیری، این تمدن باستانی، محدوده‌ای از فلات ایران ایران را در بر می‌گیرد که از شمال به خرم‌آباد کنونی، از شرق به استان‌های فارس و اصفهان، از غرب به بین‌النهرین و از جنوب به خلیج فارس محدود شده است. براساس شواهد باستان‌شناسی، گستره سرزمین ایلام، از غرب به رود دجله، از شرق به استان کرمان، از شمال به کوه‌های بختیاری، کوهستان الوند، دامنه‌های شمال زاگرس مرکزی و از جنوب به خلیج فارس و تنگه هرمز محدود بوده است. کاوش‌های باستان‌شناسی اطلاعات تازه‌ای در رابطه با محدوده تمدن ایلام در منطقه ورامین تهران به دست داده است. وسعت سرزمین ایلام در اوج قدرت بیشتر بوده و برخی سرزمین‌های همجوار را در حیطه قدرت خود داشته است.

ایلام از زمان تأسیس تافروپاشی به‌دست آشوریان، در کنار همسایگانی حکومت می‌کرد (گیرشمن، ۱۳۳۶: ۲۹؛ شه‌میرزادی، ۱۳۸۲: ۲۰۰؛ گشایش، ۱۳۸۱: ۲۰۰؛ بهزادی، ۱۳۸۳: ۳۶). اصولاً ایلام مرکز تلاقی دو تمدن مهم بوده که هر یک در دیگری تأثیر بسیار داشته است: یکی تمدن میان‌رودان و دیگری تمدن فلات ایران (آمیه، ۱۳۴۹: ۱۳).

^۷ - Elamtu

^۸ - Elam

طبق نوشته گیشمن: «کار او (ایلام) عبارت بود از دریافت داشتن، توسعه بخشیدن و سپس انتقال دادن» (گیشمن، ۱۳۳۶: ۳۳).

واژه ایلام: در منابع و اسناد متعلق به اقوام و تمدن‌ها واژه ایلام به فارسی و عیلام به عربی آمده است. در منابع جدید وجه فارسی آن در نوشتارها رایج شده و در منابع گذشته با صورت و وجه عربی (عبری) آن عیلام نوشته شده است؛ اما آنچه مهم است تاریخ تحولات این تمدن باستانی است که در این کتاب به ابعاد تاریخی و تمدنی آن پرداخته شده است و یکی پدیا (دانشنامه آزاد) ایلام و تمدن آن را چنین معرفی می‌نماید: ایلام (به فارسی باستان: ووجه، هووجه.^۹ نام یک تمدن در منطقه‌ای است که بخش بزرگی در جنوب غربی فلات ایران را در پایان هزاره سوم قبل از میلاد در بر می‌گرفت و در دوره هخامنشیان به منطقه جغرافیایی سوزیانا^{۱۰} شوش تقلیل یافت.

ایلامیان کشورشان را «هَلْتَمْتی^{۱۱}» به معنای «سرزمین خدا» می‌خواندند. اکدیایان بدان «الامتو^{۱۲}» می‌گفتند و سومریان آن را با اندیشه نگاشت NIM به معنای «بالا و مرتفع» می‌نوشتند. همچنین، در حدود ۲۰۹۴ تا ۲۰۴۷ پیش از میلاد ایلام توسط شولگی پادشاه دوم سلسله سوم اور تسخیر گردید و بعداً در سال ۲۰۰۴ پیش از میلاد سلسله سوم اور توسط ایلام واژگون می‌شود. (Grugni, V, N. ۲۰۱۲۱۰۱۳۷۱/journal.pone.۰۰۴۱۲۵۲). در سال ۶۳۹ پیش از میلاد آشوربانی پال شاه آشور، ایلام را شکست داد و شوش را غارت کرد. پس از این جنگ، ایلام هرگز به عنوان یک قدرت مستقل ظاهر نگردید. ایلامیان

^۹ - Ūvja

^{۱۰} - Susa

^{۱۱} - Ha(l)tamti/Hatamti

^{۱۲} - Elamtu

از آغاز دوره پیش‌ایلامی تا پایان دوره ایلام نو، حدود ۲۶۶۱ سال در جنوب غربی ایران زندگی و حکومت می‌کرده‌اند (یا ما اوجی، ۱۳۹۰: ۲۲۴). اصالت لرهای امروزی ممکن است به ایلامیان و کاسیت‌ها برسد (کتاب مقدس، ۲۰۰۵). مارسلا روم پُف هلندی پژوهشگر حوزه ایلام و سومر در ششمین جشنواره شعر لری «بُنه وار» گفته است: نام بختیاری و فرهنگ آنها ریشه در ایلام باستان دارد و بی‌تردید این قوم بازماندگان همان تمدن هستند (۱۳۹۳، آژانس خبری بختیاری). این نظریه با گفته‌های والتر هیتس ایلام‌شناس آلمانی کاملاً یکسان است. او در کتاب شهریاری ایلام، ایلامیان را احتمالاً نیاکان قوم کهن لر می‌داند و نوشته است: «هنگامی که حدود سال ۵۰۰ پیش از میلاد داریوش دستور داد تا بر کاشی‌های کاخ شوش، محافظان ویژه‌ای، او را تصویر کنند، هنرمند به وضوح میان سه نژاد تمایز قائل شده است. گروه اول محافظان را با پوست سفید تصویر کرده است و معلوم است مقصودش محافظان پارسی بوده است. گروه دوم پوست قهوه‌ای دارند و گروه سوم تیره تقریباً سیاه. محافظانی که پوست شان تقریباً سیاه است ظاهراً ایلامی‌های دشت بوده‌اند. امروز هم در خوزستان اغلب به مردمی بر می‌خوریم که پوستی تیره دارند؛ گرچه به هیچ وجه سیاه نیستند. اینها اغلب خود را از تبار عرب می‌دانند و به عربی سخن می‌گویند. احتمالاً مردم خوزستان قدیم از ساکنان کهن تیره پوست با نژاد نامعلوم و سامیان دوران اکد (سده ۲۵ پیش از میلاد) - از بین‌النهرین به این ناحیه کوچ کرده‌اند. بوده‌اند. در عوض محافظان قهوه‌ای پوست احتمالاً ایلامی‌های کوه نشین هستند و ممکن است نیای لرهای فعلی (لرهای فیلی در شمال خوزستان و بختیاری‌ها در شرق و جنوب شرقی آن) باشند. گرها اغلب مو سیاه هستند با

پوششی متمایل به قهوه‌ای نژادی نیرومند و کوه نشین، با بالایی اندکی بلندتر از دشت نشین‌ها» (هینتس، ۱۳۸۷: ۳۰).

نام ایلام: نام ایلام با سومر نگار NIM به معنای ساده و بلند نوشته شده است که اغلب با معرف KI به نشانه سرزمین مملکت همراه بوده است. شکل اکدی به کار رفته معمولاً KUR elammatum یا سرزمین ایلام بود... (Quintana ۱۹۹۶a:۵۰) به عبارت دیگر، ایلام سرزمینی مرکب از نهادهای سیاسی بود که بین هزاره چهارم و سوم ق.م در کوهپایه‌های زاگرس رشد و گسترش پیدا کرده است. ایلامی‌ها در طول حکمرانی، با تهاجمات بیگانه در تقابل بوده و متحدان محلی یافته‌اند؛ اما متأسفانه در کتیبه‌های بر جای مانده مطالب زیادی از خود باقی نگذاشته‌اند. والتر هینز نوشته است: این اقوام در شاهنشاهی هخامنشی نقش مهمی داشتند و سقوط شوش را در برابر آشوریان و ظهور مادها و پارس‌ها را مقطعی از آمیختن تاریخ و باستان‌شناسی ایلام می‌داند (هینتس، ۱۹۷۲: ۱۶۰). به عبارت دیگر، امپراتوری ایلام در کنار بابلان و سومریان تا عصر استیلای هخامنشیان تداوم و سیطره حکومت شان بر نواحی جنوب و جنوب غرب ایران ادامه داشته است. هالک نیز نوشته است: نام ایلامیان را می‌توان در متون تاریخی مربوط به اسکندر و جانشینان سلوکی جستجو کرد. البته، در متون بابلی درباره تهاجمات متعدد سپاهیان ایلامی که برخی از آنها دارای فرماندهی با نام‌های ایلامی‌ها بوده، اشاره شده است. در منابع یونانی و لاتین از مناطق الیمایی و الیمایی‌ها یاد می‌شود که تجسمی از حضور ایلامی‌ها در این روزگار است. (پاتس، ۱۳۸۵: ۱۹). نام درست این سرزمین همان واژه هَلْتَمَتی یا هلمتی است نه نام عبری عیلام که از سوی دشمنان آنها گزینش شده و

در کتاب‌های یهودیان ذکر شده که علمی نیست؛ ولی بر اساس نظریاتی که در کتاب مقدس یهودی‌ها آمده، ممکن است پسر سام (ایلام) در این منطقه حضور داشته‌است (سفر پیدایش ۱۴:۱). هخامنشیان این سرزمین را Uja می‌خواندند که گفته می‌شود نام کنونی «خوز» (خوزستان) بازمانده همین واژه است. کدُر لاعمر نام یک ایزد ایلامی بوده است و تنها در یک جا آورده شده است و در هیچ کجا به عنوان یک شاه یاد نشده است (Quintana ۱۹۹۶a:۵۰). این تمدن بزرگ از مهمترین و قدیمی‌ترین تمدن‌های خاورمیانه محسوب می‌گردد.

خاستگاه نام ایلام

در فهرست شاهان سومری آمده است که «ان - امبرگیسی»، پادشاه نیمه افسانه‌ای سلسله اول کیش به ایلام لشکر کشید (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۵). برای نخستین بار است که به نام ایلام تحت عنوان دشمن سومر اشاره می‌شود. شکل اکدی آن، کُر الاماتیوم^{۱۳} به معنای سرزمین ایلام می‌باشد (پاتس، ۱۳۸۶: ۱۴). کاتبان ایلامی نام سرزمینی را که در آن می‌زیسته‌اند را با دو واژه «هال» و «هتمتی» به معنای سرزمین خدای بخشنده ثبت کرده‌اند (هینتس، ۱۳۷۶: ۴). این نام در قرن هجدهم پیش از میلاد برای اولین بار در کتیبه‌های ایلامی ظاهر شده است.

وجه تسمیه: ایلام از دیدگاه مورخان، نویسندگان به عنوان سرزمین مرتفع، سرزمین خدایان و سرزمین طلوع خورشید معرفی شده است که در این مبحث به وجوه و ابعاد آن اشاره شده است.

^{۱۳} - KUR elamatum

سرزمین ایلام: پیر آمینه، در مقدمه کتاب تاریخ ایلام نوشته است: شوش مرکز تلاقی دو تمدن مهم بوده است که هر یک در دیگری تأثیر بسیار داشته است. یکی تمدن جلگه بین‌النهرین و دیگری تمدن فلات ایران. ورود ایلام به صحنه تاریخ، به اواخر هزاره چهارم و اوایل هزاره سوم قبل از میلاد بر می‌گردد، به طوری که این تمدن مهم و مقتدر باستانی از ۳۰۰۰ سال ق.م تا ۶۴۸ ق.م؛ یعنی حدود ۲۵ قرن حیات سیاسی داشته است.

دوران تاریخ ایلام

بیشتر اطلاعات راجع به تاریخ ایلام از منابع میان‌رودان به دست آمده است. تاریخ ایلام معمولاً به سه دوره با گستره بیش از دوهزار سال تقسیم می‌شود. دوره پیش از نخستین دوره تاریخ ایلام به نیا - ایلامی مشهور است.

نیا - ایلامی: حدود ۳۲۰۰ پ.م تا ۲۷۰۰ پ.م (خط نیا - ایلامی در شوش)؛

ایلام باستان: حدود ۲۷۰۰ پ.م تا ۱۶۰۰ پ.م (نخستین اسناد تا دودمان اپرتی)؛

ایلامی میانه: حدود ۱۵۰۰ پ.م تا ۱۱۰۰ پ.م (دودمان آنزان تا حمله بابلی‌ها به شوش)؛

ایلام نو: حدود ۱۱۰۰ پ.م تا ۵۳۹ پ.م آغاز دوره هخامنشی (iranicaonline.org).

در منابع دیگر تاریخ ایلام به چهار دوره متمایز تقسیم بندی شده است، سلسله‌های اوآن و سیماش از دوره پروتو ایلامی بشمار می‌رود.

دوره پروتو ایلامی قبل از ۱۹۰۰ ق.م

دوره ایلام قدیم ۱۳۰۰ - ۱۹۰۰ ق.م

دوره ایلام میانه ۹۰۰ - ۱۳۰۰ ق.م

دوره ایلام نو ۶۴۰ - ۹۰۰ ق.م

فرانسوا والا در کتاب تاریخ ایلام نوشته است: پژوهشگران جدید تا مدت‌ها ایلام را با سوزیانا یکی می‌پنداشتند. سوزیانا مترادف با دشت و کوهپایه‌های زاگرس سفلی در استان خوزستان امروزی است. همان مرکز باستانی پادشاهی انشان بوده است و اثبات گردید که شوش و ایلام دو مفهوم متمایز بوده‌اند؛ به عبارت دیگر، شوش مترادف ایلام نیست. در واقع، در طی تاریخ چندهزار ساله ایلام، مرزهای این سرزمین نه تنها از دوره‌ای به دوره دیگر، بلکه با توجه به دیدگاه کسی که آن را توصیف می‌کرد، متغیر بود. برای مثال؛ بر اساس منابع میان‌رودان می‌توان نقشه‌ای نسبتاً دقیق از ایلام در اواخر هزاره سوم پیش از میلاد ترسیم کرد. ترسیم این نقشه را به ویژه مدیون «جغرافیای سارگن اکدی» هستیم، اثری که در دوره آشوری جدید تدوین شد و دامنه فتوحات سارگن بزرگ را حدود ۲۳۰۰ پیش از میلاد نشان می‌دهد. طبق تصور میان‌رودانی‌ها در اواخر هزاره سوم پیش از میلاد، کشور ایلام تمامی فلات ایران را در بر می‌گرفت و از میان‌رودان تا دشت کویر و دشت لوت و از دریای کاسپین تا خلیج فارس گسترده بود (Vallat, ۱۹۹۳: PP ۳۰۲-۳۱۳).

شهرهای ایلامی: در منابع مختلف سلسله‌های حکومتی ایلام به نام‌های:

آوان^{۱۴}، سیماش^{۱۵}، اپارت^{۱۶}، ایکیهالکی^{۱۷}، شوتروک^{۱۸} ها و ایلام نو معرفی شده‌اند. براساس اظهارات باستان‌شناسان از جمله فرانسوا والا، جورج کامرون، والترهینتس و

^{۱۴} - Awan

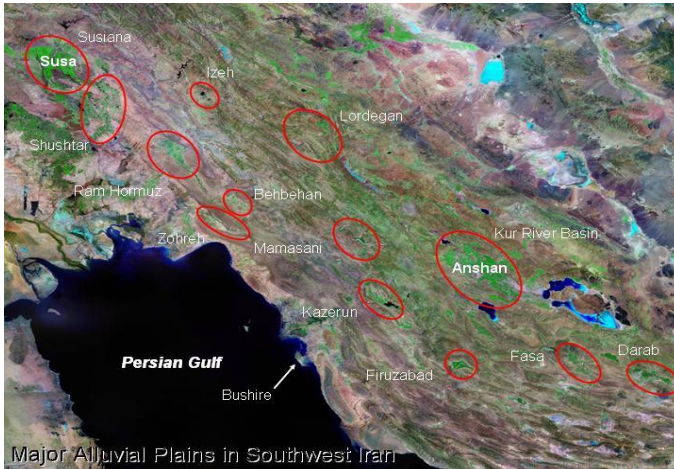
^{۱۵} - Simash

^{۱۶} - Epart

^{۱۷} - Igi-Halki

^{۱۸} - Shutruk

اریکا، مناطقی که آثار ایلامیان در آن مشاهده شده عبارتند از: ارجان بهبهان، شوش، هفت تپه، چغامیش و چغازنبیل در استان خوزستان، ملیان، نقش رستم و حاجی آباد در استان فارس، لیان بوشهر، شهداد کرمان، تپه‌های موسیان، علی کش و بزمرده در دهلران، چگا آهوان در مهران، چگا صیفور در سیروان، سیلک کاشان، نقوش برجسته ایلامی در اشکفت سلمان، کول فره و... پایتخت های مهم حاکمان ایلامی عبارتند از: شوش و ماداکتو (احتمالاً در منطقه کوهستانی شمال شوش در نواحی جنوب شرقی استان ایلام) و در مواردی شهر Der (احتمالاً بدره در استان ایلام) هم ذکر شده است و «قایدالو» یا «خایدالو» در محدوده زاگرس هم در برخی دوره‌ها مرکز حکومت ایلامیان بوده است. هر چند لیان بوشهر، ملیان فارس و حوزه رودخانه کر در فارس تا نواحی هلیل رود و آثار ایلامی این منطقه در بخش شرقی تمدن ایلام شواهدی از آثار عصر ایلامیان مشاهده شده است. تمدن ایلام باستان، براساس اظهار نظر باستان شناسان در جنوب و جنوب غربی فلات ایران واقع شده است. از شرق به امتداد مسیر شمال غربی - جنوب شرقی هگمتانه، از غرب به حوالی رودخانه دجله در میان رودان، از جنوب به خلیج فارس و تنگه هرمز و از شمال به راهی ختم می‌شود که از بابل به هگمتانه وصل بوده است.



مشأ قومی: برخی معتقدند که ایلامیان از جنوب قفقاز به جنوب آمده‌اند. گروه دیگری معتقدند که آنان از حبشه به این منطقه آمده‌اند. داورگان معتقد است: به علت وجود نقش صورت سیاه سربازی ایلامی بر روی کاشی‌های رنگی لعابدار که در حفاری‌های شوش بدست آمده، باید خاستگاه آنان از حبشه باشد. نگهبان: معتقد است ایلامیان بومیان اصلی منطقه هستند. در مورد تمدن ایلام آثاری از سومری‌ها به دست آمده مبنی بر که ایلامیان به آنجا رفته و جنگ بین آنها ادامه داشته است. تاریخ ایلام و تسلط آنان بر این سرزمین تا سال ۶۶۴ قبل از میلاد ادامه یافته و در این سال آشور بانی پال پادشاه آشور بر هومبان هالتاش سوم پادشاه ایلام غلبه کرده و به سلطه ایلامیان خاتمه می‌دهد. پس از آشوریان ابتدا مادها و سپس، هخامنشیان بر این سرزمین تسلط یافتند.

نژاد ایلامیان

تعیین خاستگاه ایلامیان از نظر مردم‌شناسی بسیار دشوار است، ویژگی‌های مدنی و فرهنگی این قوم، خاص خود بوده و کمتر نشانه‌ای از وجود خویشاوندی بین این مردم

و اقوام شناخته شده دیگر است. دلایلی برای این باور وجود دارد که ایلامیان، دست کم در سرزمین‌های پست، تیره پوست بودند، برخی سربازان ایلامی در برجسته نگاری‌های آجری لعابدار هخامنشی سده پنجم پیش از میلاد، تیره پوست نشان داده شده‌اند و البته، با گونه‌ای به لحاظ انسان شناختی، تیره پوست می‌توان در جنوب خوزستان تا به امروز، مواجه شد. هر تلاشی برای ردیابی نژاد ایلامیان با دشواری مواجه می‌شود. هر چه منابع موجود بیشتر بررسی می‌شود، بیشتر این تصور ایجاد می‌شود که ایلامی‌ها، نژادی با استقلال‌ی خدشه ناپذیرند. هیچ رابطه‌ای میان آنها با دیگر ملل هنوز پیدا نشده است.

منابع اقتصادی ایلام

در محدوده‌ی تمدن ایلام باستان، منابع عمده‌ی اقتصادی وجود داشته که مورد توجه ساکنان بین‌النهرین و دیگر همسایگان بوده است. برخی از این منابع عبارت‌اند از:

۱- چوب جنگل به دلیل وجود جنگل‌های انبوه بلوط از جمله مهم‌ترین منابع مورد توجه ساکنان بین‌النهرین بوده که از این منطقه به سرزمین آن‌ها صادر می‌شد.

۲- قیر طبیعی در منطقه‌ی غرب زاگرس وجود داشته که ساکنان بین‌النهرین برای اندود کشتی‌ها و پشت بام خانه‌ها از آن استفاده می‌کردند. در دامنه‌ی غار خفاش، واقع در شمال شرقی شهر دهلران و در نزدیکی منطقه‌ی باستانی موسیان، چشمه‌های قیر جاری هستند که در گذشته مورد استفاده بوده است.

۳- مس و نقره‌ی فلزات ایران از طریق ایلام به بین‌النهرین صادر شده است.

۴- سنگ که در ساخت ابزارهای سنگی، مهره‌ها و در مواردی در بنای ابنیه به کار می‌رفته است. ایلام از نظر تمدن شهرنشینی به بلوغ تعیین‌کننده‌ای رسیده بود، از این رو، برای بین‌النهرین که در اکثر موارد با همسایگان خود در داد و ستد بوده است، از اهمیت فوق

العاده‌ای برخوردار بود. در نوشته‌های آمده است که سومری‌ها و بابلی‌ها از طریق داد و ستد چوب برای مصارف ساختمانی و مس، سرب، قلع، مرمر و انواع سنگ‌های زینتی و قیمتی، اسب مورد نیاز خود را از ایلام تأمین می‌کردند.

هنر و معماری ایلام

معماری ایلامی متأثر از اقلیم نیمه بیابانی منطقه است. از این رو، در این ناحیه که دسترسی به چوب زیاد نبوده، طبیعی است که بهترین ابزار خانه‌سازی، خشت و گل خشک شده در آفتاب است. الوارها هم برای کارگذاری در سقف به کار می‌رفت و آجرهای کوره‌ای برای روکش روی نما، کتیبه نویسی و بافت بنا مصرف می‌شد.

اتاق‌های ایلامی در هر اندازه‌ای که مورد نظر بوده، ساخته می‌شد؛ اما عرض آنها از چهار پنج متر (اندازه الوار) تجاوز نمی‌کرده است. پنجره‌ها نیز کوچک بود و به حیاط داخلی باز می‌شد. در شوش، خانه‌ها همه بر مبنای نقشه بنا می‌شد. همچنین اتاق‌های جانبی برای میهمانان و خدمتکاران ساخته می‌شد.

زیگورات‌ها

ایلامیان برای خدایان خود معابد زیگورات‌هایی (معبد علیا) می‌ساخته‌اند. معبد علیا عبارت از معبدی ساخته شده بر روی سکوهایی بوده که ساختمان اصلی معبد بر روی آخرین و مرتفع‌ترین سکو قرار داشته است. مجسمه خدایان در این معبد قرار داشته، در روزهایی خاص پادشاهان و درباریان برای نیایش به آن محل می‌آمده‌اند. همچنین در مراسم‌هایی خاص نذورات و قربانی‌هایی تقدیم می‌شده است.

چغا زنبیل

یکی از مهمترین آثار بر جای مانده از تمدن ایلامی محوطه چغا زنبیل است که اطلاعات مهمی از فرهنگ، بینش و معماری آن دوران در اختیار ما می‌گذارد. زیگورات چغا زنبیل در فاصله ۴۵ کیلومتری جنوب شرقی شهر شوش و فاصله دو کیلومتری رودخانه دز در دشت آباد خوزستان واقع شده است. این بنای عظیم مذهبی بخشی از آثار شهر دورا نتاش با اونتاش گال از دوره اقتدار ایلامی هاست. پژوهش‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد این شهر در اواخر هزاره دوم ق.م ارتاش گال پادشاه ایلام این شهر مقدش را در نزدیکی رود دز در حد فاصل شوش و شوشتر بنا نهاده است. مصالح به کار رفته در بنا، آجر پخته و خشت خام می‌باشد و در مواردی نیز از سنگ استفاده شده است. زیگورات چغا زنبیل در مرکز این شهر باستانی برای خدایان «اینشوشیناک» و «ناپیراشا» ساخته شده است. گیرشمن می‌نویسد: زیگورات در زمان آبادانی دارای پنج طبقه و حدود ۵۲ متر ارتفاع بوده است. این بنای عظیم بر خلاف زیگورات‌های منطقه میان رودان که طبقات بر روی هم ساخته می‌شده‌اند از سبک معماری خاصی برخوردار بوده به طوری که هر طبقه از سطح زمین آغار می‌شد. زیگورات چغا زنبیل مربع شکل می‌باشد و طول هر ضلع ۱۰۲/۲ متر می‌باشد. نمای دیوارهای زیگورات از آجر ساخته شده که آجر نبشته-های آن با خط ایلامی در ردیف‌های مختلف بر روی اثر مشاهده می‌شود. چغا زنبیل دارای بخش‌های مختلفی چون معابد، حصارها، پلکان‌ها، پایه مجسمه‌ها، سیستم‌های فاضلاب و... می‌باشد. مهمترین بنای این شهر (زیگورات) به خدای اینشوشیناک که خدای شهر شوش بوده، هدیه شده بود. زیگورات چغا زنبیل در استان خوزستان از مهمترین زیگورات‌های عصر ایلامیان است که در سال ۱۹۷۹ در فهرست آثار جهانی

یونسکو ثبت شده است. لازم به یاد آوری است این اثر توسط رومن گیرشمن حفاری و خاکبرداری شد. معماری در این دوران به پیشرفت زیادی دست یافت. استفاده از خشت و آجر با توجه به اقلیم این ناحیه امری ضروری به نظر می‌رسید. در این محوطه از آجر لعابدار و میله‌های شیشه‌ای استفاده شده و طاق ضربی در این دوره برای نخستین بار قبل از هر جایی دیگر دنیا ایجاد شده است. سمیه عزیزی نوشته است: تجهیزات تصفیه آب و شیوه بنای ساختمان از مواردی هستند که توجه انسان را با گذشت هزاران سال به خود جلب می‌کند. در ساخت این شهرک مطابق معماری ایلامیان از خشت استفاده و از آجر به عنوان روکشی برای سطح خشتی بهره گرفته شده است؛ آجر لعابدار و میله‌های شیشه‌ای از دیگر عناصر به کار رفته در این شهرک است، فلزاتی مثل طلا و مفرغ و همچنین قیر به عنوان ماده کلاف کشی مورد استفاده بوده که نشانگر میزان پیشرفت انسان‌ها در این دوره است.

ایلام اگرچه گاه و بی‌گاه چه از نظر سیاسی و چه از نظر معنوی و فرهنگی تحت نفوذ همسایگان با تمدن خود مانند سومر، اکد، بابل و آشور بود، ولی زمانی خود موجد فکری اصیل و خاص بوده است که توانسته پرتو آن را بر نواحی دیگر بگستراند و پیشرفت‌های فراوانی را برای دوره‌های بعد از خود در دنیا باقی گذارد.



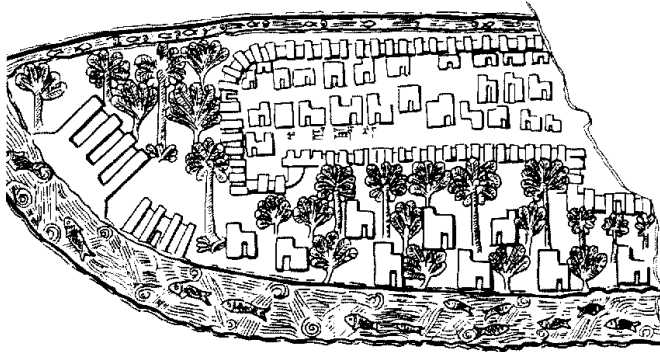
معبد چگا زنبیل

کتیبه متعلق به یک پرستشگاه در لیان بوشهر

از این دوره تنها کتیبه‌ای به یک پرستشگاه در جزیره دور افتاده لیان (نزدیک بوشهر امروزی) به دست آمده است که کهن‌ترین مدرک موجود از زمان ایلامی است.



کتیبه متعلق به یک پرستشگاه در لیان بوشهر



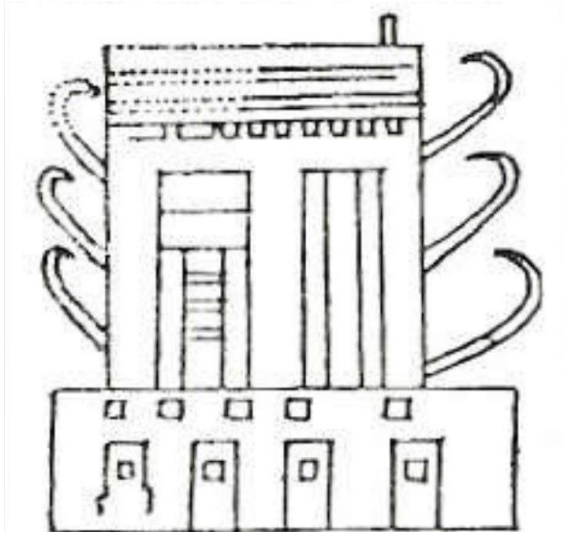
نقش برجسته شهر ماداکتو قدیم (mirosschedji.p. de. ۱۹۸۶)

منبع: مقاله: معماری مسکونی دوره ایلام، آریتا میرزایی و بهمن فیروز مندی فصلنامه باستان‌شناسی،

معابد ایلامی

ایلامیان، برای خدایان و الهه‌های مورد پرستش خود، نیايشگاه‌ها و معابدی برپا می‌کردند. از دوران‌های اولیه ایلام هیچ ساختمان مذهبی یا معبدی بر جای نمانده است، ولی با بررسی نقوش مهرهای استوانه‌ای هزاره سوم ق.م ایلامی می‌توان به چگونگی معماری آنها پی برد. بر روی یک مهر استوانه‌ای هزاره سوم ق.م. نقش معبدی به تصویر درآمده که جالب‌ترین ویژگی آن، سه شاخ بزرگ است (تصویر شماره ۲) (Eliad, ۱۹۸۷, ۲۷۷:). همچنین، از بقایای نقش یک معبد ایلامی مربوط به دو هزار ق.م که بر روی کوهی در کورانگون (کورنگان) فارس ساخته شده است، می‌توان نام برد. (دادور، ۱۳۷۰: ۸۴۲). جی-گروپ، در مورد معبد کورانگون می‌گوید: «این بنای گلی به احتمال زیاد یک معبد است که نقش پیکره خدایان مقدس آن، در روی نقش برجسته باقی مانده است». (جی - گروپ، ۱۹-۴). به جز معابد مذکور، دیگر هیچ اطلاعی از معابد ایلامی در

هزاره‌های چهارم و سوم ق.م نداریم و این امر به دلیل کمی پژوهش‌های باستان‌شناسی در زمینه مذهب و معماری مذهبی ایلامی‌ها می‌باشد (محمودیان، ۱۳۹۸: ۱۹۴).



تصویر (۲) معماری ایلام قدیم

یادمان عدالت ایلامی‌ها

در دوره حکومت شاه ایلامی هلو^{۱۹} یادمان عدالت در یکی از میدانی شهر شوش ایجاد شده است. وی همزمان با مانیش توسوشه اکد و برادرش ریموش بوده است. این مقاله با استناد به منابع با روش توصیفی - تحلیلی درصدد یافتن پاسخ به این سؤال است که عدالت در باورهای ایلامیان باستان از چه جایگاه و منزلتی برخوردار بوده است؟

^{۱۹} - helu

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ایلامیان در برابری زن و مرد، عقاید و خدایان مذکر و ماده، عدالت را رعایت کرده‌اند.

خط ایلامی

خط ایلامی خط تصویری یا خط پیکتوگرافی (تصویری) خط قرار دادی ایلام است که در تجارت مورد استفاده قرار می‌گرفت و معیار خرید فروش‌های گوسفند و ... به حساب می‌آمد. خط ایلامی از چپ به راست خوانده می‌شود و در شوش پیدا شده است. قدیمی‌ترین اثر مکتوب ایلام ۳۰۰۰ ق.م بوده که موضوع آن در مورد خرید و فروش پیدا شده‌است. در این سنگ نوشته سه نوع سر حیوان شامل اسب، قاطر و الاغ دیده می‌شود و کنار آنها علاماتی به چشم می‌خورد. اولین حرکت انسان برای نوشتن برای تجارت صورت پذیرفته است. کوتیک - این - شوشیناک اول حاکم ایالت شوش بود و بعد به پادشاهی ایلام رسید. خط میخی از ابداعات ایلامیان است که روی سنگ و گل مشاهده می‌شود. در هزارهٔ چهارم پیش از میلاد به موازات ابداع نخستین خط تصویری در سومر، ایلامیان موفق به اختراع خط مشابهی شده بودند که از آن برای ثبت و نگهداری حساب‌ها و معاملات خود استفاده می‌کردند. این خط احتمالاً ۱۵۰ نشانه داشته است. از این خط صرفاً تصویری، به تدریج یک خط «هجایی» به وجود آمد که حدود ۸۰ نشانه داشت. از اواخر هزارهٔ سوم پیش از میلاد، اندک اندک، خط «اکدی» به خط میخی معروف تبدیل، و جانشین خط پیشین ایلامیان شد؛ اما در طول سالیان بعد، ایلامیان این خط وام گرفته را ساده و پیراسته کرده و تا مرز نوشتار الفبایی رساندند. یکی از دانشمندان پس از باز خوانی هزاران نوشته ایلامی، می‌نویسد ایلامی‌ها از اسرار خود به ندرت چیزی به زبان می‌آوردند. خط قراردادی این تمدن خط تصویری یا خط

پیکتوگرافی است که در تجارت مورد استفاده قرار می‌گرفت و معیاری برای خرید و فروش کالا محسوب می‌شد. این نوع خط که در سه هزار سال ق.م از شهر باستانی شوش به دست آمده به عنوان درنمای بناهای موجود در محوطه چغازنبیل آجرهای کتیبه‌داری با خطوط میخی ایلامی و اکدی به کار رفته‌اند. این آجرها روی بدنه‌های زیگورات به فاصله هر ده رج تکرار شده است. در این آجرها نام و نسب شاه سازنده بنا ذکر شده و در آن مشخص شده که این بنا چگونه و به چه منظوری ساخته شده است. به این ترتیب هزاران آجر ساده و کتیبه‌دار بناهای شهر را تزئین می‌کرده‌اند. در کاوش‌هایی که در محوطه چغازنبیل صورت گرفت بیش از ۵۰۰۰ آجر نوشته و چندین نوشته بر مجسمه‌های لعاب دار، گل میخ‌ها، سرگرزها، قطعه‌های مفرغی و بر گلوله‌های گلی یافته شده است. مهم‌ترین کار زبان‌شناسی که در این باره انجام گرفته جلد سوم کتاب چغازنبیل نوشته استو (۱۳۷۵) است که به بررسی نوشته‌های یافته شده در کاوش‌های گیرشمن پرداخته است. استو متن‌های ایلامی را بر اساس آوانگاری به پنج گروه الف، ب، ج، د، ه بخش‌بندی کرده است که در مجموع ۶۱ متن ایلامی را در بر می‌گیرند. هر کدام از این گروه‌ها ویژگی و الگوی خاص خود را دارند. او متن‌های اکدی را نیز با شماره‌های I-VIII شماره‌گذاری کرده است. در این نوشته‌ها جز چند مجسمه سر که نام اتر - کیتِه^{۲۰} بر آن نگاشته شده از پادشاهی به نام اونتش - نپیریش^{۲۱} حدود (۱۳۰۰ پ.م.)، پسر هوبنومن^{۲۲}، شاه انشان و شوش، یاد می‌شود. به گزارش این متن‌ها اونتش - نپیریش

^{۲۰} - Atar - kittah

^{۲۱} - Untash - Napirisha

^{۲۲} - Hubannumena

ذیقورات چغازنبیل یا همان دور - اونتاش باستانی را به خداوند این شوشینک پیشکش کرده است. او همچنان پرستشگاه‌هایی نیز برای ایزدان گوناگون دیگر بنیان نهاده است. در نیایشگاه‌های دور - اونتاش از حدود بیست و پنج ایزد نام برده شده است که برخی از آنها خدایان بین‌النهرینی هستند. از میان این ایزدان می‌توان از: منزت^{۲۳} هیشمیتیک^{۲۴}، روهورتیر^{۲۵}، شیموت^{۲۶}، نیو^{۲۷}، بللیت^{۲۸} یاد کرد (استو، ۱۳۷۵).

زبان ایلامی، زبانی بسیار دشوار است که تاکنون شناسایی کامل آن صورت نگرفته و پیوند مستقیم آن با دیگر زبان‌های منطقه، دقیقاً ثابت نشده است. ساختار زبان ایلامی گرچه از نظر دستوری آسان است؛ ولی متأسفانه از نظر محتوایی به علت کمبود نوشته‌ها و نبود فرهنگی تطبیقی با دیگر زبان‌های همزمان، از درک و فهم معنای راستین آن ناآگاهیم. زبان ایلامی در سال ۱۸۹۰ م رمزگشایی شد. در این سال «وایس‌باخ» نخستین دستور زبان آن را ارائه داد. با این همه، متن ایلامی سنگ‌نوشته‌ها در عصر هخامنشیان آن‌چنان سخت و مشکل است که امروزه تنها بخش‌هایی از آن قابل فهم است. مهم‌ترین کار زبان‌شناسی که در این باره انجام گرفته جلد سوم کتاب چغازنبیل نوشته استو (۱۳۷۵) است که به بررسی نوشته‌های یافته شده در کاوش‌های گیرشمن پرداخته است.

^{۲۳} - Manzat

^{۲۴} - Hishmitik

^{۲۵} - Ruhuratir

^{۲۶} - Shimut

^{۲۷} - Nabu

^{۲۸} - Belilit

بهره‌گیری از قیر

شواهد باستان‌شناسی نشان می‌دهند که از قیر در ساخت کاخ‌ها استفاده می‌شد. موارد استفاده از قیر شامل آب بندی پی ساختمان‌ها و ملات جهت بندکشی آجرها و سنگ‌ها بوده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد در ایران باستان، جهت نمakاری و زیبایی بنا و در ساخت ستون‌های چوبی کاخ آپادانا و همچنین، برای ساخت دیوارها از آجر و ملات قیری در شوش استفاده شده است.



چشمه قیر رامهرمز

جام ارجان

در جریان عملیات اجرایی سد سیوند توسط جهاد سازندگی در ده کیلومتری بهبهان و هنگام خاکبرداری به حفراهی برخورد می‌شود و اطاق و اشیائی کشف می‌شوند. گزارش مقدماتی مرمت، حفاظت و مطالعه فنی تعدادی از اشیاء ارجان در مجله اثر شماره ۱۵-۱۶ سال ۱۳۶۷ انتشار یافته است. رحیم صراف باستان‌شناس ایرانی در مقاله‌ای تحت

عنوان: جام برنزی کیدین هوتران مکشوفه از ارجان بهبهان که بررسی این اثر ایلامی پرداخت که مجله اثر در شماره هفده آن را منتشر نموده است. یوسف مجید زاده: مقاله‌ای تحت عنوان جام ارجان در مجله باستان‌شناسی و تاریخ نوشته که در شماره ۹-۸ اسفند ۱۳۶۹ این مجله چاپ شده است. کیدین هوتران پسر زیلیپ اشنا: کیدین هوتران پسر پاهیر ایشان دوازده ق.م با توجه به مدارک فوق قدمت آرامگاه ارجان به قرن چهارده ق.م رسیده است. فرانسوا والا خطوط و اشیای ارجان را مورد بررسی قرار می‌دهد و می‌گوید خطوط روی اشیای مربوط به قرن هشت ق.م است. عباس علیزاده از دید باستان‌شناسی آن را بررسی کرده است و سال ۷۵۰ ق.م را برای اثر فوق تعیین می‌کند. فرانسوا والا: شخص کیدین هوتران فرزند کورلوش را پادشاه نمی‌داند؛ چرا که در کتیبه‌های ایلامی سه بار اسم ایشان آمده و نام پادشاهی به دنبال ندارد.

بررسی در محل توسط یغمائی و میر عابدین کابلی انجام شده است: او در کنار آرامگاه توده خشتی را پیدا می‌کند؛ ولی برای بررسی مسأله مجدد اعزام نشده است. کتیبه دیگری روی جام ارجان وجود دارد که توسط بشاش ترجمه شده است. کتیبه سوم روی آتشکدانی است که گزارش آن منتشر نشده است. پشت جام آنجا که نقش پادشاه در صحنه دیده می‌شود، اسم کیدین هوتران پسر کورلوش است. سوسن معتقد مقاله‌ای در مورد پارچه ارجان نوشته که در مجله اثر چاپ شده است. قدیم‌ترین لوح سنگ در کرمانشاه از پادشاه لولویی‌ها و مشابه و قابل مقایسه جام ارجان به دست آمده است.



حلقه زرین ارجان

یکی از کشفیات مهم این محوطه تاریخی حلقه طلانی با ۲۳۷ گرم وزن و متصل به یک دسته مجوف استوانه‌ای شکل با نقوش نیلوفر آبی است. این حلقه زرین با کتیبه‌ای ایلامی با این مضمون «کیدین هوتران پسر کورلوش» نوشته شده بود (Vallat, ۱۹۸۴b: ۷۳). گفته حفاران، حلقه مذکور در دست‌های متوفی قرار داشته است. او خنجری برکمر و لباسی با دکمه‌های طلایی برتن داشته و در تابوت مفرغی آرمیده بود. از لحاظ فرم، اندازه و استفاده از این حلقه به نظر می‌رسد حلقه تشریفاتی بوده و کاربرد آن برای شخص فوق فقط در موارد خاص مانند حضور در مراسم سیاسی و مذهبی زمان خود بوده است. قدمت این حلقه زرین مربوط به قرن هشتم قبل از میلاد است و تاکنون نظیر این حلقه با این مشخصات در هیچ یک از حفاری‌های علمی به دست نیامده است (خلیلیان و توحیدی، ۱۳۶۱: ۲۶۳، ۲۶۵، ۲۷۲ و علیزاده، ۱۳۶۵: ۲۶۵-۲۸۵).

پی‌نوشت‌ها

در سال ۱۳۴۷ شمسی یک جام نقره‌ای در حاجی آباد مرو دشت فارس کشف شد که ا در موزه‌ی ایران باستان قرار دارد. در این سال کارگرانی که مشغول حفر کانال بودند، آنرا شکسته و از داخل آن جامی نقره‌ای یافتند. عتیقه فروشان به علت زیبایی زیاد و سالم نبودن جام در معامله مردد می‌مانند. آقای اثنی عشری مدیر فرهنگ و هنر وقت شیراز با مأمورین به سراغ صاحب زمین رفته و جام را توقیف می‌کنند.

تاریخ ایلام به چهار دوره متمایز پروتو ایلامی (قبل از ۱۹۰۰ ق.م)، ایلام قدیم (حدوداً ۱۳۰۰-۱۹۰۰ ق.م)، ایلام میانه (۹۰۰-۱۳۰۰ ق.م)، و ایلام نو (۶۴۰-۹۰۰ ق.م) تقسیم بندی می‌شود. بنابراین، سلسله‌های اوآن و سیماش از دوره پروتو ایلامی بشمار می‌روند.

شهر کیش از شهرهای جنوبی هم مرز با ایلام بوده و حدوداً در جنوب عراق واقع است. همچنین، سومر احتمالاً حوالی بغداد فعلی قرار داشته و پایتخت آن شهر اکد بوده است.

نام این پادشاه پیروز ایلامی دقیقاً ثبت نشده و به احتمال نام وی «کوریشک» بوده است که سلسله‌ای با سه پادشاه بنیان نهاد.

در باب سلسله سیماش مدارکی از قبیل نقاشی‌ها و نقوش موجود نبوده و تنها مدارک کتیبه‌ها و گل‌نوشته‌هاست. در مورد معماری و هنر آن فعلاً اطلاعی در دست نیست و مدارک موجود تنها موارد تاریخی، سیاسی و اجتماعی آن دوره را بیان می‌کند.

سیماش هم نام دولت، هم ایالت و هم نام سلسله پادشاهی است.

سر سلسله پادشاهان سلسله سوم اور «اورنامو» می‌باشد؛ ولی از وضعیت وی و رابطه‌اش با ایلام مدرکی در دست نیست.

ایزین و لارسا هم نام شهر و هم نام ایالت بوده است.

این‌داتو، برادر، برادرزاده یا خواهرزاده-ای با احتمال زیاد نداشته است و پسرش جانشین وی شده است.

شیلهاک - این - شوشیناک، پادشاه سلسله شوتروک ها (ایلام میانی، ۱۱۲۰-۱۱۵۰ ق.م). در کتیبه‌هایی که از محل تپه بیضاء به دست آمده، اپارت خود را شاه انشان و شوش معرفی می‌کند.

نام دیگر تپه بیضاء «تپه ملیان» است.

پادشاهان سومری در برخی موارد و اغلب پادشاهان اکدی، خود را با خدا برابر می‌دانستند. سوکالمهو (سوکل مخ): این لقب را می‌توان «نماینده بزرگ»، «پیامبر بزرگ» یا توجه به ترجمه خانم شیرین بیانی در کتاب پیرآمیه (تاریخ ایلام) «وزیر بزرگ» با «رسول عالی» عنوان نمود.

سمبل این - شوشیناک خدایی نصف انسان - نصف مار بوده است. ناروندی همان الهه اکدی آنونی توم و نین گال به احتمال زیاد پی نی کیر ایلامی بوده است.

آتار- کیتا (برادر باهیر- ایشان) بر روی دو گرز یا عصای وضع به دست آمده از چغازنبیل، که در روی یکی از آنها خود را «پادشاه شوش و انشان» می‌خواند.

تولید غذا عبارت است از کنترل انسان بر تولید نظیر در نبات و حیوان که فرآورده‌های مفید فایده آنها به عنوان بخشی از مجموعه مواد غذایی مورد نیاز و مصرف انسان جهت ادامه بقا نقشی اساسی دارند.

گندم دانه درشت شش ردیفه: نام علمی این غله *Triticum dicoccum* است.

جو دو ردیفه: نام علمی این غله *Hordecum distichum* می‌باشد.

جارمو: مکانی متعلق به اوایل نوسنگی بی‌سفال و باسفال در شمال عراق.

دو کتیبه از زمان سارگن (۲۳۱۶-۳۷۱ ق.م) بجای مانده است: از کتیبه‌ی یاد شده می‌توان به ساختار حکومتی ایلام پی برد و اینکه حکومت ایلام براساس اتحاد بخش‌های مختلف بوده است. فرمانداران بر ایلات فرمان رانده و خود زیر نظر نای السلطنه بوده‌اند، وی نیز تحت فرمان پادشاه بوده است. ایلامیان فرماندار را هلمنیک، نایب السلطنه را شکناکوم می‌نامیدند پادشاه ایلام را هشیپ- رایپ، در واقع پسر لوح-ایشان بوده است وی هم نام پدر بزرگ خود و پدر لوح-ایشان بوده است. احتمالاً وی عمویی نداشته تا به سلطنت برسد.

ریموش در جنگ با ایلام غنائمی بدست آورد. او این غنایم را به معبد خداوند انلیل تقدیم داشت.

کوئیر- ناهوته، انلیل، نادین، اخ پادشاه بابل را اسیر و به ایلام تبعید کرد. وی احتمالاً در تبعید جان سپرد.

مردوک در حدود چهل سال در ایلام ماند، اما نانا تا رسیدن آشور- بانی پال به شوش اسارت را تحمل کرد.

دوره بی‌سفال در دهلران (دوره ی بز مرده) همزمان با بی‌سفال چغابنوت حدود ۷۲۰۰ سال پیش از میلاد.

- دوره اوایل نوسنگی در دهلران، (دوره محمد جعفر) همزمان با آرکاییک ۲ در خوزستان است.

ظروف سفالی از نظر شیمیایی همان گل رس است که با دمایی که برای تغییر شیمیایی و تبخیر آب ماده مزبور لازم است بالای ۴۰۰ درجه سانتی‌گراد حرارت دیده باشد. ساختن سفال در مقایسه با ابزار و ادوات سنگی که تماماً از تغییر شکل دادن بک ماده اولیه صورت می‌گرفت یک نوع صنعت ترکیبی محسوب می‌شود. ظروف سفالی را از یک قطعه گل رس که از آن

- پشاش، رسول (۱۳۷۰). "مدت کلمه قرائت خط جام برنزی ارجان." میراث فرهنگی، شماره ۳ و ۴، پاییز. بیگ محمدی، خلیل‌الله و نسرین گل محمدی (۱۳۹۰). "تحلیلی بر نقوش به کار رفته در گل‌نشته‌های آغاز ایلامی."
- برزگر، اردشیر (۱۳۸۰). تاریخ تبرستان (پیش از اسلام) جلد اول. انتشارات رسانش. پیرنیا، حسن (۱۳۹۱). تاریخ ایران باستان جلد سوم. انتشارات نگاه.
- پیت‌من، هالی (۱۳۸۴). "هنر عصر مفرغ جنوب شرق ایران." ترجمه کورش روستایی. مؤسسه پیشین پروژه ماه دریا.
- پاتس، دنیل تی (۱۳۸۵). باستان‌شناسی ایلام. ترجمه زهرا باستی. تهران: انتشارات سمت. پیرنیا، حسن (۱۳۶۹). ایران باستان. جلد نخست. چاپ چهارم. تهران: دنیای کتاب.
- پرادا، ایدیت (۱۳۷۵). چغازنبیل (دوره ون تاش). جلد چهارم. ترجمه ا. کریمی. تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی.
- پرادا، ایدیت (۲۵۳۷). هنر ایران باستان: تمدن‌های پیش از اسلام. ترجمه یوسف مجیدزاده. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- پرویز، عباس (۱۳۹۰). تاریخ سرزمین ایران، انتشارات نگاه، پلاسعدی، کتایون (۱۳۹۶). "نقش مار در فرهنگ و تمدن ایلامی." فصلنامه مطالعات ایلام‌شناسی، شماره ۵، زمستان ۹۶: ۱۰۸-۱۰۱. ایلام: انتشارات زاگرو.
- توحیدی، فائق و علی محمدخلیلیان (۱۳۶۱). "گزارش بررسی اشیای ارجان بهبهان." اثر، نشریه سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران، شماره ۷، ۸ و ۹: ۲۲۲ و ۲۸۶.
- حصاری، مرتضی (۱۳۹۶). "تپه سفالیان." فصلنامه مطالعات باستان‌شناسی پارسه، دوره ۷، شماره ۱۵، زمستان ۱۳۹۶: ۱۰۱-۱۱۶.
- خلیلیان، علی محمد (۱۳۷۹). ایلام در گستره تاریخ. فصلنامه فرهنگ ایلام، شماره ۳ و ۴: ۶۲-۶۷.

- دومیروشیجی، پییر (۱۳۷۶). لایه‌نگاری (ایلامی جدید) در شوش (۱۱۰۰ تا ۵۴۰ ق.م). شوش و جنوب غربی ایران. تاریخ و باستان‌شناسی: گزارش گردهمایی بین‌المللی شوش و سمینار دیاکونوف، ایگور (۱۳۸۷). "ایلام". در تاریخ ایران کمبریج. جلد دوم، قسمت اول. ترجمه تیمور قادری. تهران: مهتاب.
- دیاکونوف (۱۳۴۵)، "تاریخ ماد"، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب،
- دیاکونوف (نقل از کریم کشاورز). اشکانیان. انتشارات پیام، ۱۳۵۱.
- راولینسون، سرهنری (۱۳۶۲). سفرنامه راولینسون (گذر از زهاب و خوزستان). ترجمه سکندر امان‌اللهی بهاروند. انتشارات آگاه، تهران.
- رهبر، م. (۱۳۸۳). "گزارش باستان‌شناسی دستوا در شوشتر". بایگانی دانشگاه آزاد اسلامی شوشتر.
- سایکس، سرپرسی (۱۳۶۳). تاریخ ایران. ترجمه سیدمحمد تقی فخرداعی گیلانی. جلد اول، چاپ دوم. تهران.
- سرداری زارچی، علیرضا و سمیرا عطاپور (۱۳۹۷). "مدارک باستان‌شناسی دوران آغاز ایلامی و ایلام قدیم، در تپه سنجر خوزستان". فصلنامه مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۱۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۷.
- سرفراز، علی‌اکبر و بهمن فیروزمندی (۱۳۷۳). مجموعه دروس باستان‌شناسی و هنر دوران تاریخی. تهران: جهاد دانشگاهی.
- طلایی، حسن (۱۳۷۴). باستان‌شناسی و هنر ایران در هزاره ق.م. انتشارات سمت.
- صراف، محمدرحیم (۱۳۷۲). نقوش برجسته ایلامی. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- صراف، محمد رحیم (۱۳۶۹). "جام برنزی کیدین هوتران مکشوفه از ارجان بهبهان". مجله اثر، شماره ۱۷، بهار ۱۳۶۹: ۴-۶۱.

- صرفی، محمد رضا (۱۳۸۳). "چکیده مقالات همایش شناخت و معرفی تمدن حوزه ی هلیل رود." مرکز کرمان‌شناسی.
- علیزاده، عباس (۱۳۸۰). *تئوری و عمل در باستان‌شناسی*. چاپ اول. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- (۱۳۶۵). "آرامگاهی مربوط به دوره ایلام نو در ارجان نزدیک بهبهان." *مجله اثر*، شماره ۱۴: ۱-۱۳۱.
- (۱۳۸۲). "همایش ملی معرفی میراث‌های تمدنی." دانشگاه آزاد اسلامی ایلام.
- (۱۳۹۱). "روند پیچیدگی اجتماعی و سیاسی در جهان عیلامی." *پیام باستان‌شناس*، بهار و تابستان ۱۳۹۱، شماره ۱۷: ۸۷-۱۰۲.
- فرجی، عبدالرضا (۱۳۶۶). *جغرافیای کامل ایران*. شرکت چاپ و نشر ایران.
- فیروزمن دی شیره جینی، بهمن (۱۳۷۸). *باستان‌شناسی و هنر آسیای صغیر*. انتشارات سمت، تهران.
- گریشمن، رومن (۱۳۷۳). *چغازنبیل*. ترجمه ع. ا. کریمی. جلد ۴-۱، چاپ هفتم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- گریشمن، رومن (۱۳۳۶). *ایران از آغاز تا اسلام*. ترجمه محمد معین. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- گریشمن، رومن، تاریخ هنر ایران، ترجمه عیسی بهنام بنگاه ترجمه و نشر کتاب تهران.
- گریشمن: رومن: سیلک کاشان. جلد اول. ترجمه اصغر کریمی. سازمان میراث فرهنگی ۱۳۷۹
- گشایش، فرهاد (۱۳۸۱). *تاریخ هنر*. نشر عفاف. تهران.
- گیلانی، نجم‌الدین و فریدون الهیاری (۱۳۹۱). "نقش ایلام باستان در توسعه فرهنگ و تمدن ایران در دوره هخامنشیان." *فصلنامه فرهنگ ایلام*، شماره ۳۶ و ۳۷، پاییز و زمستان.
- گزارشی از بررسی و مستند سازی آثار باستانی استان ایلام.
- گزارشی از شناسایی و مستند سازی آثار شهرستان مهران. میراث فرهنگی و گردشگری ایلام. ۱۳۸۲.

گزارشی از فاز اول تعیین حریم تپه چگا آهوان مهران. میراث فرهنگی و گردشگری ایلام. ۱۳۸۲. لوبرن، آلن (۱۳۷۶). "شوش: کارگاه کاوش آکرپل." ۶۶-۴۹. گزارش گردهمایی بین‌المللی شوش و سمینار بلو. زیر نظر ژان پرو و ژنویو دلفوس، ترجمه هایده اقبال. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

مجموعه مقالات اولین همایش معرفی میراث‌های تمدنی استان ایلام.

محمودیان، حبیب‌اله (۱۳۸۲). "گزارش بررسی و مستند سازی آثار باستانی استان ایلام." میراث فرهنگی و گردشگری ایلام.

(۱۳۸۲). "گزارش شناسایی و مستند سازی آثار شهرستان مهران." میراث فرهنگی و گردشگری ایلام.

(۱۳۸۲). "گزارش فاز اول تعیین حریم تپه چگا آهوان مهران." میراث فرهنگی و گردشگری ایلام.

(۱۳۸۷). "بررسی و شناسایی باستان‌شناسی سیروان." میراث فرهنگی و گردشگری.

(۱۳۸۲). "گزارش شناسایی و مستند سازی آثار شهرستان چرداول." میراث فرهنگی و گردشگری ایلام.

(۱۳۷۷). "بررسی آثار برنزی ایلام و لرستان در هزاره اول ق.م." ایلام: سبز رویش.

(۱۳۹۱). "دوران طلایی برنز در زاگرس غربی." ایلام: انتشارات زاگرو.

(۱۳۸۹). مجموعه مقالات اولین همایش معرفی میراث‌های تمدنی استان ایلام. دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام.

(۱۳۸۰). "مقاله: ارتباط سیاسی و اقتصادی ایلام و بین‌النهرین." فصلنامه فرهنگ ایلام، شماره ۵ و ۶، بهار و تابستان.

(۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر باستان‌شناسی و آثار تاریخی ایران (پیش از اسلام). دانشگاه آزاد اسلامی

واحد ایلام.

(۱۳۹۰). "گزارش بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان ایلام، حوزه چوار." میراث

فرهنگی ایلام.

(۱۳۹۶). فصلنامه مطالعات ایلام‌شناسی. ایلام: نشر زاگرو.

(۱۳۹۸). ایلام باستان (باستان‌شناسی و تاریخ). نشر زاگرو. ایلام.

مرادی، حسین (۱۳۹۴). "منشأ نقش مار در مواد فرهنگی هزاره سوم پیش از میلاد جنوب

شرق ایران." فصلنامه مطالعات باستانی پارسه، دوره ۷، شماره ۲: ۱۲۹-۱۴۸.

ملک شه میرزادی، صادق (۱۳۷۳). مبانی باستان‌شناسی ایران، بین‌النهرین، مصر. جهاد

دانشگاهی.

(۱۳۶۵). "جزوه درس باستان‌شناسی پیش از تاریخ ایران از آغاز تا پایان دوره استقرار در روستاها."

(۱۳۷۸). "ایران در پیش از تاریخ: باستان‌شناسی ایران از آغاز تا سپیده دم شهرنشینی." چاپ

دوم، ۱۳۸۲. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

(۱۳۸۱)، زیگورات، سیلک، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.

(۱۳۸۲)، نقره کاران سیلک، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.

مجیدزاده، یوسف (۱۳۷۰). تاریخ و تمدن ایلام. چاپ اول: مرکز نشر دانشگاهی.

(۱۳۶۹). "جام ارجان." باستان‌شناسی و تاریخ، شماره ۹، زمستان ۶۹: ۱۱-۲۶.

(۱۳۸۲). جیرفت: کهن‌ترین تمدن شرق. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: سازمان

چاپ و انتشارات.

مار کوارت، یوزف (۱۳۷۳). ایران‌شهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی. انتشارات اطلاعات: ۲۵۶.

- محمودیان، وحید (۱۳۹۷). "ارتباط سیاسی - اقتصادی ایلام و بین‌النهرین در دوران باستان." فصلنامه مطالعات ایلام‌شناسی، شماره ۶، بهار.
- محسنی، حسین و محمدجعفر سروقدی (۱۳۷۵)، «باستان‌شناسی و هنر ماد»، باستان‌شناسی و هنر دوران تاریخی، عفاف،
- معتقد، سوسن (۱۳۶۹). "پارچه مکشوفه از تابوت برنزی کیدین هوتران." مجله اثر، شماره ۱۷.
- میرسعیدی، نادر (۱۳۹۰). "تاریخ و تمدن ایلام باستان" در تاریخ ایران باستان. تهران: انتشارات سمت.
- مورتنسن، پدر (۱۹۷۴). "بررسی و تعمق در دره هلیلان." ترجمه حبیب‌الله محمودیان. چاپ نشده.
- نیکنما، کمال‌الدین و بابک رفیعی علوی (۱۳۸۸). "چرا جای نام شیماشکی احتمالاً نمی‌تواند در منطقه کرمان قرار داشته باشد؟" مجله مطالعات باستان‌شناسی، دوره اول، شماره نخست، تهران: انتشارات دانشگاه تهران: ۱۹۹-۲۱۵.
- نیاکان، لیلی (۱۳۹۶). "حلقه‌های قدرت در دوره ایلامی." فصلنامه تخصصی باستان‌شناسی، سال اول، شماره دوم، بهار ۱۳۹۶.
- نگهبان، عزت‌الله (۱۳۷۲). حفاری هفت تپه دشت خوزستان. تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.
- (۱۳۷۳). شوش کهن‌ترین مرکز شهرنشینی جهان. تهران: انتشارات میراث فرهنگی.
- (۱۳۷۶). مروری بر پنجاه سال باستان‌شناسی ایران. چاپ اول. تهران: میراث فرهنگی.
- واندنگ، لویی (۱۳۴۸). باستان‌شناسی ایران باستان. ترجمه عیسی بهنام. انتشارات دانشگاه تهران.
- وطن‌دوست، رسول (۱۳۶۷). "مرمت اشیای فلزی گنجینه ارجان." اثر، شماره ۱۵ و ۱۶: ۷۲-۱۱۶.
- وایت، مری و رابرت هنری دایسون (۱۳۸۲). گاه‌نگاری ایران از حدود هشت هزار تا دو هزار پیش از میلاد. ترجمه اکبر پورفرج و احمد چایچی امیرخیز. تهران: نسل باران.

- والا، فرانسوا (۱۳۶۴). "نوشته میخی، شیء طلایی مکشوفه از ارجان." ترجمه افسانه خلعت‌بری. مجله اثر، شماره ۱۰ و ۱۱: ۱۸۴-۱۹۴.
- هینتس، والتر (۱۳۷۱). دنیای گمشده ایلام. ترجمه ف. فیروزنیا. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- هینتس، والتر (۱۳۸۷). شهر یاری ایلام. ترجمه پرویز رجبی. چاپ اول. تهران: ماهی.
- هول، فرانک (۱۳۸۱). باستان‌شناسی غرب ایران. ترجمه زهرا باستی. تهران: سمت.
- هوار، کلمان (۱۳۶۳). ایران و تمدن ایرانی. ترجمه حسن انوشه. امیرکبیر.
- یاروسلاو کرچی (۱۳۷۸). تمدن‌های آسیا و خاورمیانه. ترجمه خسرو قدیری.
- ب: منابع انگلیسی:**

- Amiet, Glyptique susienne. *Memoires de la délégation en Perse*, T. XLIII, Vol. I & II. Paris, ۱۹۷۲.
- Grugni, V., Battaglia, V., Hooshiar Kashani, B., Parolo, S., & Al-Zahery, N. (۲۰۱۲). "Ancient migratory events in the Middle
- Alizadeh, A. (۱۹۹۲). "Prehistoric settlement patterns and cultures in Susiana, southwestern Iran: the analysis of the F. Grem
- Demorgan, J. (۱۹۰۵). "Etat des travaux à Suse en ۱۹۰۴." *Memoires de la délégation en Perse*, ۷.
- De Miroschedji, P. (۱۹۸۱). "La dieu Elamit au serpent et aux eaux jaillissantes." *Iranica Antiqua*, ۱۶. Belgium.
- "ELAM." In *Encyclopædia Iranica*, ۱۹۹۸. Retrieved January ۳۱, ۲۰۱۴.
- Schmidt, E. (n.d.). "The Persian Expedition at Rayy." *Bulletin of the University Museum of Pennsylvania*, Vol. ۵, Chicago.
- Schmidt, E. (۱۹۳۵). *The Persian Expedition*, Vol. ۵.
- Hole, F. "Studies in the archaeological history of the Deh Iuran Plain."
- Hinz, W. (۱۹۷۲). *The Lost World of Elam*. Translated by J. Barhes. London.
- Hinz, W. (۱۹۶۴). *Das Reich Elam*. Stuttgart.

- Hinz, W. (۱۹۶۸). "Elams Vertrag mit Naram-Sin von Akkade." ZA, ۲۴, ۶۶-۹۶.
- Hinz, W. (۱۹۷۲). *The Lost World of Elam*. London: Sidgwick and Jackson.
- Hole, F., Flannery, K. V., Neely, J. A. "Excavation at Ali Kosh, Iran." Chart ۷, p. ۱۳۹.
- Hole, F., Flannery, K. V., Neely, J. A., & Helbeak, C. (۱۹۶۹). *Anthropology, University of Michigan ۱*. Ann Arbor: University of Michigan Press.
- Laudier, J. E., & Lampre, G. (۱۹۰۵). "Fouilles de Moussian." *Memoires VIII*, pp. ۷۳-۸۰.
- Calmeyer, P. (۱۹۹۵). "Middle Babylonian Art and Contemporary Iran." In Curtis, L. J. (ed.), *Later Mesopotamia and Iran: Tribes and Empires ۱۶۰۰-۵۳۹ B.C.*, London: British Museum.
- Mortensen, P. (۱۹۷۴). *Survey and Soundings in the Holailan Valley*.
- Pittman, H. (۲۰۱۳). "The Saidmarreh landslide, Iran." *Geological Society of America, Special Paper ۱۲۳: ۱۱۵-۱۳۹*.
- Miroschedji, P. (۱۹۸۱). "Le dieu Élamite au serpent aux eaux jaillissantes." *Iranica Antiqua*, ۱۶.
- Neely, J. A. (۱۹۷۴). "Sasanian and Early Islamic Water Control and Irrigation Systems on the Deh Luran Plain, Iran." In Downing, T. E., & Neely, J. A. (۲۰۰۳). "Sassanian and Early Islamic Water Control and Irrigation Systems on the Deh Luran Plain, Southwestern Iran." In Morony, M. G. (ed.), *Production and the Exploitation of Resources, the Formation of the Classical Islamic World, Vol. ۱۱*, Hampshire: Ashgate Publishing Ltd.
- Vallat, François. (۱۹۸۰). *Sase et l'Elam. Recherches sur les Grandes Civilisations*. Paris: Editions du CNRS.
- Vallat, François (۱۹۹۳). "Les noms géographiques des sources suso-elamites." *Répertoire Géographiques des Textes Cunéiformes*. Wiesbaden: F. Reichert.
- Vallat, François (۱۹۹۸). "The History of Elam." In *Encyclopædia Iranica, Vol. ۸, Fasc. ۳*, edited by E. Yarshater, pp. ۳۰۲-۳۱۳. Mazda Publishers: Costa Mesa, California.

- Van Buren, E. D. (۱۹۳۴). "The God Ningizzida." *Iraq*, ۱(۱): ۶۰-۸۹.
- Wright, H. T., & Neely, J. A. (۲۰۱۰). *Elamite and Achaemenid*
- Vandenbergh, L. (۱۹۸۳). *Reliefs rupestres d'Iran ancien*. Brussels:
- Vallat, F. (۱۹۸۹). "L'inscriptions du Sceau-cylindre du Sukkalmah Tan-Uli." *NABU*, ۱۱۷.